

خلاصه

در سال های اخیر، مسئله سفر اطفال بدون همراه به خارج از کشور در محور افزایش نگرانی ها قرار داشته است. این نگرانی زمانی بیشتر میشود که شمار اطفال بدون همراه که به اروپا میرسند، افزایش یافته و تشویش های را در مورد نیاز به حمایت، خطرات در زمان سفر و در واقع اینکه این اطفال بدون هیچ گونه مدرک قانونی و اغلبا به کمک شبکه های قاچاق سفر میکنند، به همراه دارد افغانستان یکی از جمله کشور هایست که اطفال آن سفر بدون همراه به اروپا، کشور های همسایه مثل ایرا و پاکستان و استرالیا را متقبل میشوند. بخش توسعه پالیسی و ارزیابی UNHCR در سال ۲۰۱۰ نتیجه یک تحقیق زیر نام *درختان تنها در باد تکان می خورند* را منتشر کرد. این مطالعه در مورد اطفال افغان بدون همراه انجام یافته بود که توانست شواهد پیشگامی را در مورد مشخصات شماری از اطفال افغانستان در برخی از کشور های اروپایی فراهم کند که بدون همراه و به تنهایی سفر کرده اند. هنوز هم شکاف های در این مدارک موجود است و نتایج این مطالعه پیشنهاد میکند تا تحقیق بیشتری در این مورد در داخل افغانستان صورت گیرد تا این اطفال، خانواده هایشان و اجتماعی که آنان را به خارج فرستاده شناخته شوند و انگیزه هایشان نیز شناسایی شود.

روش شناسی

روش شناسی این تحقیق بر اساس مرور منابع تحقیقی و جمع آوری معلومات کیفی از ولایت های با بیشترین و کمترین فرستنده اطفال پناهجو به خارج از کشور استوار است؛ ولایت هایی با اکثریت باشندگان قومی پشتون و هزاره که اکثریت اطفال پناهجوی افغان از میان شان می آیند. این چهار ولایتی که از آنان معلومات جمع آوری شده است، عبارت اند از ننگرهار، کابل، پکتیا، بامیان. به کمک روش ترکیبی - یعنی مصاحبه های معلوماتی کلیدی و گروه های مباحثاتی - تحقیقات روی اطفال پناهجو و خانواده های شان، متنفذین و اعضای اجتماع انجام یافت.

یافته ها

اطفالی که به صورت بی همراه دست به مهاجرت می زنند، عموماً مرد بوده و سن شان بین ۱۳ الی ۱۷ سال است. در تشویق اطفال برای رفتن به خارج از کشور چندین عامل (و خیلی اوقات با هم مرتبط) مانند فقر، ناامنی، نبود فرصت های لازم تحصیلی و شغلی، و توقعات خانواده و همقطاران دخیل اند. در مناطقی که بلند ترین آمار فرستادن اطفال را به خارج دارند تصمیم گیری برای سفر قاچاقی اطفال به بیرون از کشور از سوی بزرگ فامیل و خود اطفال به طور مشترک اتخاذ می شود. خانواده ها برای تامین مالی سفر قاچاقی اطفال خود از تمام داشته ها و امکانات خود استفاده می کنند، از افراد قرض می گیرند و یا جایداد خود را به گرو می گذارند. در مناطق با داشتن آمار کمتر اطفال معمولاً برای رفتن به خارج تصمیم گرفته و بعد به دنبال کسب رضایت و حمایت خانواده های شان می گردند.

برای هردو مناطق برای اطفال پناهجو، کشور های اروپایی مقصد دلخواه بوده و برخی هم ایران را به خاطر وجود آشنایان و خویشاوندان خود که قسمت پیدا کردن کار کمک کرده می توانند، به صورت موقت انتخاب می دارند تا با اندوختن پول از آن جا به یک کشور دیگر بروند. همان طوری که مصاحبه شوندگان در این تحقیق خاطر نشان نمودند، نقاط اصلی حرکت این اطفال در افغانستان عبارت از هرات، اسلام قلعه و نیمروز است. در مصاحبه ها عموماً تصدیق گردید که مهاجرت به خارج از کشور به کمک شبکه های قاچاق انجام یافته است.

تمام خانواده ها در ولایات که آمار بلند فرستادن نو جوانان به خارج را دارند و با آنها مصاحبه شد، از خطرات سفر قبل فرستادن فرزندان شان آگاه بودند. با وجود آگاهی قبلی، اطفال خود را به این سفر فرستادند چون فکر می کنند که فواید نهایی آن بر خطرات و سختی های راه می چربد، و یا تصور میکنند که انتخاب دیگری جز این ندارند. در ارتباط به آگاهی اطفال از خطرات سفر قاچاقی باید گفت که برخی از آنها اطلاعات کمی داشته و برخی دیگر از مخاطرات آگاه بودند. اطفالی که در این تحقیق با آنها مصاحبه صورت گرفت، در مسیر سفر با درجه های متفاوتی از خطرات، آزار و اذیت و نقض حقوق شان از سوی قاچاقبران و ماموران پولیس در کشور های مختلف و یا کشور های مقصد مواجه شده اند. با وجود این هم خانواده ها و هم اطفالی که از ولایت های که آمار بلند فرستادن نو جوانان به خارج را داشتند (کابل و ننگرهار) به خارج از کشور به تنهایی سفر کردند، به صورت قوی گفتند که پس از جمع آوری پول لازم بار دیگر برای رفتن به کشور های غربی اقدام خواهند نمود. در مقابل خانواده ها و اطفال ولایت های پکتیا و بامیان که یکبار سفر ناکام به خارج از کشور داشتند، مجموعاً گفتند که تمایلی برای رفتن مجدد به سفر قاچاقی ندارند.

پیشنهادات:

۱. جامعه مدنی و بزرگان اجتماع در افغانستان، در همکاری با مقامات ذیربط افغان باید راه های را دریابند تا اطفال (به ویژه مردان بالغ) و والدین شان را در مورد خطرات سفرهای بدون همراه، به ویژه از طریق شبکه های جوانان، رسانه های اجتماعی، مکاتب و نهاد های آموزش دهی والدین آگاه سازند.
۲. کمپاین های آگاهی دهی در مورد خطرات سفر های بدون همراه توسط اطفال، با حضور مقامات ذیربط افغان، نمایندگان سیاسی، جامعه مدنی و بزرگان اجتماع باید افزایش یابد. روش های جدید نشر اطلاعات در ارتباط به سفر قاچاقی از طریق شبکه های اجتماعی، نهاد های تعلیمی، رسانه های عمومی و شبکه های غیر رسمی جوانان مد نظر گرفته شود.
۳. مطالعات بیشتری برای درک علاقه مردان جوان افغان به سفر های بدون همراه صورت گیرد و شبکه های غیررسمی جوانان نه تنها در تنها در افغانستان بلکه در ایران و پاکستان راه اندازی شود تا روشن گردد که چگونه ممکن است به این تمایل مردان جوان به سفر های بدون همراه تاثیر گذاشت.
۴. آموزش های حرفه ای و برنامه های معیشتی برای جوانان به ویژه در مناطق با بیشترین میزان اعزام در افغانستان، در هماهنگی با مقامات ذیربط افغان، نهاد های غیردولتی و فعالان جامعه مدنی توسعه داده شود.
۵. در تمامی اقداماتی که به گونه مستقیم یا غیرمستقیم اطفال بدون همراه را متاثر میسازد، بهترین منفعت طفل در صدر ملاحظات قرار گیرد. کشور های مقصد پناهجویان نوجوان باید در راه حل های خود جهت برخورد با آنها بر اساس اصل بهترین مصلحت برخورد کرده و همچنان این موضوع را در نظر داشته باشند که شاید اطفال پناهجوی افغان دارای قضایای مشروع پناهندگی بوده و نیازمند حمایت های بشردوستانه اند.
۶. با مسولان مرزی و نیروهای پولیس در کشور های ترانزیت و مقصد به ویژه در ایران و ترکیه، در مورد حفاظت اطفال بدون همراه ظرفیت سازی صورت گیرد.
۷. مقامات افغان، جامعه مدنی و افراد متنفذ جامعه باید تلاش های خود جهت حفاظت و حمایت از اطفال بازگشته از خارج را بیشتر سازند. بایستی آنها به مسایلی چون ترومای سفر و بازگشت به کشور و ادغام در جامعه توجه میذول دارند. در برنامه ها باید این موضوع در نظر گرفته شود که اطفال بازگشته شاید بار دیگر برای رفتن اقدام کنند؛ به ویژه این موضوع در ولایت های کابل و ننگرهار بیشتر صادق است.

۱. مقدمه

در سال های اخیر، مساله اطفال بدون همراه که افغانستان را به قصد خارج ترک می گویند، به یک نگرانی فزاینده مبدل شده است. عوامل مختلفی در جلب توجه به این دسته از پناه جویان دخیل است. از جمله می توان گفت که تعداد اطفال پناهجو در اروپا و نگرانی ها در ارتباط به نیازهای مخصوص حمایتی از آنها رو به افزایش است، از آن جای که این اطفال به طور غیر قانونی، اغلب به کمک شبکه های قاچاق، سفر می کنند یک سلسله خطرها در جریان سفر شان به کشور های مقصد وجود دارد. افغانستان از جمله کشور هایی است که اطفال زیادی از آن به مقصد کشور های اروپایی، استرالیا، پاکستان، ایران و سایر کشور ها به خاطر پناهندگی در خارج کشور خود را ترک می کنند. با وجود این که برخی بررسی ها در مورد اطفال پناهجو انتشار یافته است، اما در کلیت در مورد نمایه و انگیزه های خروجیان اطفال از کشور اطلاعات خیلی کمی وجود دارد.

در جون ۲۰۱۰ میلادی، خدمات توسعه پالیسی و ارزیابی کمیشنری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (PDES) تحقیقی را زیر نام درختان تنها در باد تکان می خورند: مطالعه اطفال پناهجو بدون همراه منتشر کرد. این یک مطالعه تطبیقی مبتنی بر مصاحبه با تعدادی از اطفال پناهجو در تعدادی از کشورهای اروپایی بود. این تحقیق شواهد کاملاً جدیدی را در مورد خصوصیات اطفال پناهجو و سفر شان به کشور های مقصد به نمایش گذاشت. با این حال، بسیاری از خلا ها در آن شواهد و مدارک وجود داشت، و در تحقیق نیز پیشنهاد شده بود که باید مطالعات بیشتری در افغانستان به منظور درک بهتر از انگیزه ها و نمایه اطفال پناهجو، خانواده ها و اجتماعی که آنها را به خارج از کشور می فرستد و ادار می کند، صورت گیرد.

۱.۱ اهداف تحقیق

منظور کلی این پژوهش درک بیشتر از شرایط معین و انگیزه هایی است که باعث سفر اطفال افغان بدون همراه به کشورهای اروپایی و سایر کشورهای صنعتی می شود. به دست آوردن معلومات و درک از موارد فوق به پالیسی ها و برنامه ریزی های استراتژیک در آینده در مورد مهاجرتیان اطفال به خارج از افغانستان کمک می کند.

۱.۲ تحقیقات و شواهد موجود در مورد سفر اطفال بدون همراه به خارج از افغانستان

برای چندین قرن افغانها به دلایل مختلفی چون آفت محصولات، خشکسالی و خشونت به کشورهای دیگر مهاجرت کرده، و یا برای فرصت های بهتر به مناطق و کشورهای دیگر رفته اند.^۱ رفت و آمد افغانها به کشورهای همسایه، به ویژه پاکستان و ایران، از زمان های بسیار قدیم رایج بوده است. با اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی، و ادامه یافتن جنگ پس از خروج نیروهای شوروی از این کشور، بسیاری از افغانها مجبور به ترک خانه های شان در سطح بسیار وسیعی شدند. از سال ۱۹۸۰ میلادی، افغانستان یکی از کشورهایایی با کلاترین جمعیت پناهنده در جهان است.

فعلاً تصور بر این است که انگیزه های خروج از افغانستان به مراتب پیچیده تر است. نا امنی همچنان بالای جان افغانستان بوده که در اثر آن در سال ۲۰۱۳ میلادی تلفات ملکی به بلندترین حد خود رسید.^۲ در عین حال، پس از چند دهه جنگ، افغانستان با رتبه ۱۷۵ در میان ۱۸۶ کشور جهان در جدول شاخص توسعه انسانی، هنوز هم به عنوان یک کشور فقیر در منطقه به حساب می آید.^۳ فقر ارتباط خیلی نزدیک با کمبود حفاظت از حقوق بشر، به خصوص شرایط و زمینه های گسترده معافیت و رفتارهای تبعیض آمیز، دارد.^۴ همچنان جنبه های قابل ملاحظه زیست محیطی یا جمعیت شناسی مهاجرت افغانها، با "رشد سریع جمعیت-جمعیت خیلی جوان- در کشور، سطح بالای شهری شدن، همچنان محیط فیزیکی شکننده با توجه به ظرفیت بالای زلزله خیزی و سایر خطرهای محیط زیستی"،^۵ از جمله عواملی اند که منجر به مهاجرت افغانها می شوند. با توجه به این پسزمینه است که باید مهاجرت اطفال پناهجوی را درک کرد.

افغانستان یکی از کشورهایایی با جمعیت بالایی از اطفال مهاجر بدون همراه است که به اروپا سفر کرده و در آنجا درخواست پناهندگی می دهند.^۶ در سال ۲۰۰۸ میلادی، از میان ۳،۸۲۵ پناهنده افغان در اروپا، ۱۳،۶۰۰ نفر آن اطفال بدون همراه و یا جدا شده بودند. تا سال ۲۰۱۲ میلادی، از میان ۱۴،۰۱۰ درخواست پناهندگی اطفال بی همراه و جدا شده در کشورهای اروپایی، ۵،۷۰۰ آن متعلق به اطفال افغان بود.^۷ در ۲۰۱۳ میلادی، تعداد در خواست های پناهندگی اطفال مذکور ۱۴،۰۶۵ مورد بود که از آن میان ۳،۵۹۵ آن متعلق

۱ کورنفلد، ۲۰۰۸. "پناهندگان افغان در پاکستان: نه تمام شان پناهنده اند، نه همواره در پاکستان و نه الزام افغان؟"، ژورنال مطالعات پناهندگان، ۲، شماره ۱ (۲۰۰۸): ۴۳-۶۳

۲ یوناما، افغانستان: گزارش سالانه ۲۰۱۲ میلادی، حفاظت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، کابل-۲۰۱۴

۳ اداره توسعه سازمان ملل، شاخص توسعه انسانی و اجزای آن، ۲۰۱۳ میلادی

۴ UNDP، گزارش توسعه بشری، ۲۰۱۳

۵ این بحث از سوی الساندرو مانسوتی و آدم رودریگز، به دانشکده حکومتداری ماستریخت مراجعه شود، "پیچیدگی ها و چالش در مهاجرت افغانها: مجلس تحقیق و پالیسی"، نوشته معلوماتی آکادمی IS، شماره ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ <http://mgsog.merit.unu.edu/ISacademie/docs/PB14.pdf>

۶ UNHCR، "درختان تنها در باد تکان می خورند: مطالعه اطفال پناهجو بدون همراه"، ژنو، خدمات توسعه پالیسی و ارزیابی، ۲۰۱۰. الف. لنبرگ و ال. دهال کوست، "اطفال پناهجو بی همراه در سویدن: شرایط زندگی از منظر اطفال"، فصلنامه سروی پناهندگان (۲۰۱۲): ۲۲-۱

۷ UNHCR، "گرایش های جهانی ۲۰۱۳"، ص ۲۸.

به افغانستان بود که در مقایسه با سال قبل در آن کاهش دیده می شود.^۸ با این وجود، افغانستان همچنان دارای بیشترین درخواست های پناهندگی از سوی اطفال پناهجو، یعنی تقریباً ۴،۵۰۰ درخواست از مجموع ۲۵،۳۰۰ درخواست پناهندگی از سوی این گروه، در سال ۲۰۱۳ میلادی بود.^۹ این نکته را باید به یاد داشت که ارقام فوق تنها شامل آن عده از اطفالی می شود که عملاً درخواست پناهندگی داده اند؛ به این دلیل، تعداد واقعی این اطفال افغان در اروپا بایستی بیشتر از این باشد.^{۱۰}

همان طوری که در گزارش "درختان تنها در باد تکان می خورند: مطالعه اطفال پناهجو بدون همراه" در سال ۲۰۱۰ میلادی اشاره شد- در بیرون شدن اطفال افغان از کشور دلایل مختلفی سهم دارند. یکی از این دلایل معرفی سیاست های مهاجرتی و پناهندگی محدود کننده از سوی دولت ها و همزمان با آن رشد "قاچاق مهاجران غیر قانونی"^{۱۱} بوده است. دوم، بر تعداد افغانهای اروپا و آسیا افزوده شده که این زمینه های بیشتری برای جوانان افغان جهت پیوستن به اعضای فامیل خود در بیرون را مساعد ساخته است. سیستم حواله به افغانهای بیرون از افغانستان اجازه داده است تا با پرداخت پول زمینه سفر قاچاقی اطفال به بیرون از کشور را مساعد سازند. در نهایت، از آن جایی که شهروندان افغان از مرز های کشور خود "بی آن که ردیابی شوند و یا مقررات مرزی ممنعتی در برابر خروج شان ایجاد کند"، شرایط مساعد را برای افرادی که مایل به مهاجرت به بیرون از کشور اند، به وجود آورده است.^{۱۲} در آن گزارش آمده است:

رفتن وسیع جوانان افغان به قاره های دیگر به عوامل مهم تاریخی و فرهنگی ارتباط داشته، این روند به خاطر شرایط دشواری که در مناطق آنها وجود دارد، تقویت می شود و چنین سفری به خاطر به دست آوردن مصونیت، تعلیم، معیشت، رفاه اجتماعی و موجودیت حمایت های فرهنگی و اجتماعی جامعه افغانهای مقیم اروپا برای هموطنان تازه به مقصد رسیده شان، بیشتر تشویق می گردد.^{۱۳}

در چنین زمینه ای، تمایز متعارف میان مهاجرت اجباری و اختیاری به سختی قابل تفکیک بوده، و به خصوص باید مراقب بود که موارد به دست آوردن مصونیت در فهم این پدیده مدنظر گرفته شود.

در سالیان اخیر، تعدادی از مطالعات روی اطفال پناهنده صورت گرفته که اکثر شان روی شرایط دریافت اسناد و ساز و کار های حفاظت، به خصوص در اروپا، انجام پذیرفته است.^{۱۴} تا امروز جامع ترین مطالعاتی که از سوی صندوق وجهی اطفال سازمان ملل متحد و کمیشنری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در ۲۰۱۰ میلادی انجام یافته است، توجه خود را به صورت مشخص روی اطفال پناهنده افغان معطوف داشته اند. مطالعه یونسف زیر نام "اطفال در حال مهاجرت: گزارشی در مورد اطفال افغان پناهجو به اروپا"، به طور اساسی روی اطفال پناهنده افغان در ناروی و بریتانیا، صورت گرفته و در کنار آن مصاحبه هایی نیز با خانواده ها و اطفال در افغانستان نیز در این گزارش انجام شده است. این تحقیق یک تصویر گذرا از نمایه ای از اطفال افغان در حال حرکت از یک کشور به کشور دیگر به دست داده و داستان سفر آنها از افغانستان به اروپا را حکایت می کند.

تحقیق UNHCR زیر نام "درختان تنها در باد تکان می خورد..."، روی اطفال پناهنده افغان و بدون همراهی تمرکز کرده است که به خارج توانسته اند بروند. با این اطفال در کشور های فرانسه، یونان، ایتالیا، هلند، ناروی، بریتانیا و همچنان ترکیه مصاحبه صورت گرفت. این تحقیق اطلاعاتی را در مورد اطفال مذکور و تجارب شان از سفر به اروپا به دست می دهد. در هر دو تحقیق فوق پیشنهاد شده است که باید مطالعات بیشتری روی اجتماعاتی که اطفال خود را به صورت بدون همراه و قاچاقی به خارج می فرستند، صورت گیرد تا درک بهتری از انگیزه های این اطفال برای سفر به دست آید.

۸ Eurostat، اطلاعات سالانه در مورد متقاضیان پناهندگی زیر سن بر اساس ملیت، سن و جنسیت، http://appsso.eurostat.ec.europa.eu/nui/show.do?dataset=migr_asyunaa&lang=en

۹ UNHCR، "گرایش های جهانی ۲۰۱۳"، ص ۲۹.

۱۰ تعداد واقعی اطفال پناهجو در اروپا نزدیک به ۱۰۰ هزار تخمین زده می شود. (شورای اروپا، مجمع پارلمانی، "اطفال پناهجوی بی همراه در اروپا: مسایل رسیدن، اقامت و بازگشت"، قطعنامه ۱۸۱۰، ۲۰۱۱)

۱۱ UNHCR، "درختان در باد تکان می خورند..." ص ۸

۱۲ همان منبع

۱۳ همان منبع

۱۴ شبکه اروپایی مهاجران، "خردسالان بدون همراه- مطالعه جامع اروپایی"، ۲۰۱۰ میلادی، http://emm.si/files/publikacije/00_emn_synthesis_report_unaccompanied_minors.pdf؛ گزارش مقایسه ای جامع در باره اطفال پناهجوی تنها در دولت های عضو اتحادیه اروپا، ۲۰۱۰ میلادی، http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/1692-SEpac-comparative-report_EN.pdf؛ هان سیلوا، بلانکا و کناودر، برنات، "پناهجویان خردسال بی همراه: مرور کلی حفاظت، کمک و رفتارهای امیدبخش"، IOM، بوداپست، ۲۰۱۱؛ فرانس تره دسیل، "مطالعه مقایسه ای در ارتباط به حقوق پناهندگی برای پناهجویان خردسال بی همراه در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا"، ۲۰۱۰، در <http://tdh-childprotection.org/documents/right-to-asylum-for-unaccompanied-minors-in-the-european-union/>؛ دیده بان حقوق بشر، افتاده در جال، پناهجویان زیر سن در اروپا، ۲۰۱۲، https://www.hrw.org/sites/default/files/HRW_CRD_migrant_brochure_low.pdf.

از آن زمان تعدادی از مطالعات با تمرکز روی اطفال پناهنده بی همراه در کشور های مقصد، از جمله بریتانیا^{۱۵} و سوئد^{۱۶}، انجام گرفته است. بر علاوه، تعدادی از پژوهش ها نیز روی وضعیت آنانی که رد مرز و یا به افغانستان بازگشته اند،^{۱۷} از جمله اطفال بدون همراه و پناهنده های در گذشته خوردسال، صورت گرفته است.^{۱۸}

سایر تحقیقات توجه خود را صرف جمع آوری معلومات در مورد شبکه های تسهیل کننده ای سفر اطفال پناهنده کرده اند. از این جمله گزارشی از سوی UNODC از سال ۲۰۱۰ به این سو در مورد مردمی که شبکه های قاچاق را در افغانستان و پاکستان راه انداخته اند، انتشار یافت، و هم چنین یک تحقیق دیگر با حمایت حکومت استرالیا در سال ۲۰۱۰ میلادی صورت گرفت که به بررسی مراحل و کانال های معلومات در ارتباط به خطرهای سفر های غیر قانونی توسط قاچاقچیان پرداخته و توجه خود را روی گروه قومی هزاره در چهار ولایت افغانستان معطوف داشت.^{۱۹}

در حالی که مطالعات فوق به فهم مهاجرت اطفال پناهنده از افغانستان کمک میکنند اما در عین حال یک رشته خلاها در این اسناد و مدارک به چشم می خورد. این خلاها شامل نبود معلومات لازم در مورد نمایه اطفال پناهنده، انگیزه های آنها برای سفر به خارج و شرایط اطفال اخراج شده و بازگشته به کشور، و فاکتور های که بالای سایر اطفال برای نرفتن به خارج تاثیر گذار است، می شود.

تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به برخی از این خلاها می باشد. در اینجا خصوصیات جوانان افغان پناهجو، انگیزه ها و روند تصمیم گیری، راه های تمویل سفر قاچاقی به خارج از کشور و تجارب شان از این مسیر بررسی می گردد.

۱۵ کاترین گلدول و هانا هلیون، "آینده های بی امید: پناهجویان جوان افغان در بریتانیا و در راه بازگشت به کشور اصلی"، مسایل جدید در تحقیقات مربوط به پناهندگان، شماره ۲۴۶، خدمات توسعه پالیسی و ارزیابی UNHCR، اکتوبر ۲۰۱۲ میلادی.

۱۶ آند دهل کوپست لندبرگ، "پناهجویان نوجوان بدون همراه در سوئد: شرایط زندگی از منظر اطفال"، فصلنامه سروی پناهندگان اپریل ۲۰۱۲، ۳۱(۲): ۵۴-۷۵.

۱۷ لیزا شوستر و نسیم مجیدی، "پس از اخراج چه اتفاقی می افتد؟ تجارب پناهجویان اخراج شده افغان"، مطالعات مهاجرت، ۱(۲): ۲۲۱-۲۴۰، ۲۰۱۳؛ دانشکده حکومتداری ماستریخت، "پیچیدگی ها و چالش در مهاجرت افغانها: مجلس تحقیق و پالیسی"، نوشته معلوماتی آکادمی IS، شماره ۱۳، ۱۴، ۲۰۱۳. <http://mgsog.merit.unu.edu/ISacademie/docs/PB14.pdf>

۱۸ کاترین گلدول و هانا هلیون، "آینده های بی امید: پناهجویان جوان افغان در بریتانیا و در راه بازگشت به کشور اصلی"، مسایل جدید در تحقیقات مربوط به پناهندگان، شماره ۲۴۶، خدمات توسعه پالیسی و ارزیابی UNHCR، اکتوبر ۲۰۱۲ میلادی.

۱۹ ستراتیژی معقول ارتباطات، مطالعه مبارزه با قاچاقیان انسان در افغانستان: گزارش نهایی، اکتوبر ۲۰۱۰، <http://www.customs.gov.au/webdata/resources/files/2010%FinalReport-WiseStrategicCommunicatoin.pdf>

۲. روشناسی تحقیق

از روش شناسی کیفی در جمع آوری معلومات در مورد شرایط اطفال پناهجو که به افغانستان برگشته اند، استفاده شده است. پیش از جمع آوری معلومات لازم، مروری بر نوشته ها و تحقیقات مربوط به اطفالی که از افغانستان/ایران/پاکستان به اروپا (و استرالیا) می روند، انجام یافت. در این تحقیق از روشطراحی گروه صرفا مقایسوی پس از مشاهدات ساحوی استفاده شد.

جدول ۱ طراحی گروه صرفا مقایسوی پس از مشاهدات ساحوی

گروه ۱ (قضایایی مورد مطالعه)	ایکس بیشترین پناهجوی اعزامی به خارج	۰۱ منطقه با اکثریت پشتون ۰۲ منطقه با اکثریت هزاره
گروه ۲ (قضایایی مقایسوی)	OX کمترین پناهجوی اعزامی به خارج	۰۳ منطقه با اکثریت پشتون ۰۴ منطقه با اکثریت هزاره

۲.۱ انتخاب مناطق

مناطق پشتون نشین و هزاره نشین با بیشترین و کمترین تعداد اطفال پناهجو بدون همراه در این تحقیق برای تحلیل مقایسوی در نظر گرفته شده اند. اقوام هزاره و پشتون در گزارش های UNICEF و UNHCR در سال ۲۰۱۰ میلادی دارای جایگاه شاخص از لحاظ اطفال مهاجر بدون همراه بودند. در جدول پایین، بر اساس گزارش سال ۲۰۱۰ میلادی UNICEF و UNHCR، مناطقی که از آن اطفال پناهجو راهی کشور های دیگر می شوند، مشخص شده است.

جدول ۲ مناطق تشخیص داده شده اطفال پناهجو

اکثریت پشتون	اکثریت هزاره
بالا	غزنی، کابل (UNHCR, UNICEF)
پایین	پکتیا (UNHCR)

دو منطقه با بیشترین نوجوان پناهجوی اعزامی به خارج که برای این تحقیق انتخاب شدند، عبارت از غزنی/کابل برای هزاره ها، و ننگرهار برای پشتون ها است. غزنی از آن رو به عنوان یک ولایت دلخواه بر اساس پژوهش های موجود و نظرات کارشناسان در این تحقیق انتخاب شد که بیشترین اطفال پناهجوی هزاره از آن روانه کشور های خارج می شوند. البته در جریان تحقیقات ولایت غزنی مکان امن برای اعزام گروه تحقیق نبود. از این رو در عوض کابل به عنوان ولایت جایگزین جهت مطالعه بر گزیده شد. کابل نیز در گزارش های UNICEF و UNHCR که به صورت جداگانه در سال ۲۰۱۰ میلادی انجام یافت، به عنوان ولایتی با اعزام بالای اطفال پناهجوی بدون همراه به خارج شناخته شده بود، و در این ولایت گروه قومی که انتخاب شد که از ولایت غزنی به شهر کابل مهاجرت کرده بودند، و مناطق مورد توجه قرار گرفت که آنها غالبا پس از مهاجرت در کابل سکونت می کنند.^{۲۰}

دو منطقه ای که اطفال کمتری از آن ها به خارج فرستاده شده اند و برای این تحقیق انتخاب شدند، عبارت از پکتیا (با اکثریت باشندگان پشتون) و بامیان (با اکثریت باشندگان هزاره) بود. شرایط امنیتی اجازه اعزام گروه تحقیق به هر دو منطقه مذکور را می داد.

۲.۲ آمادگی های قبل از تحقیق ساحوی

قبل از آغاز تحقیق ساحوی، میزگرد مباحثاتی با افراد ذیدخل و مرتبط با موضوع تحقیق صورت گرفت تا (۱) در آغاز تحقیق و در جریان مدت تحقیق به شناسایی و شامل ساختن افراد دخیل در سیاست گذاری ها پرداخته شده شود؛ (۲) مواد و نظرات لازم از افراد مذکور در ارتباط به کار های انجام یافته و ابتکارات/ساختار های موجود به دست آید؛ (۳) و در نهایت گروه های مشورتی از افراد ذیدخل به منظور اعتبار و صحت یافته های تحقیق و مرتبط بودنش با پالیسی ها تشکیل داده شد. پس از برگزاری میزگرد مباحثاتی، مصاحبه های مفصل با شماری از این افراد انجام یافت. در این مرحله، ابزار تحقیق به وجود آمده، آزمایش شده و در آن اصلاحات و تجدیدنظر صورت گرفت.

۲۰ تمام پاسخ دهندگان از ولایت کابل در این تحقیق از میان قوم هزاره انتخاب شدند که جایگاه اصلی شان ولایت غزنی بود (۱۴ تن از میان ۲۱ تن از افراد مطلع کلیدی و تمام اشتراک کنندگان گروه های مباحثاتی را تشکیل می دادند).

۲.۳ انتخاب پاسخ دهندگان

در این تحقیق مصاحبه با شماری از پاسخ دهندگان گنجانده شدند تا درکی از سفر اطفال پناهنده از زاویه های مختلف به دست آید. اطلاعات در مورد محیط اجتماعی این اطفال پناهنده از هر چهار ولایت جمع آوری شد، مجموع سوالنامه ها ترتیب یافت که در آن جنبه های اجتماعی-اقتصادی، دموگرافیک (جمعیت شناسی) و تاریخی گنجانده شد. مصاحبه با افراد کلیدی نیز مانند مقامات محلی، معلمان و رهبران مذهبی، و همچنان گروه های مباحثاتی با اعضای جامعه به خاطر جمع آوری اطلاعات در مورد تصورات جامعه در باره سفر اطفال بدون همراه به خارج انجام یافت.

جدول ۳ مصاحبه با اعضای اجتماع و گروه های مباحثاتی را نشان می دهد.

جدول ۳: مطالعه اشتراک کنندگان در سطح اجتماع هر ولایت

مناطق					فعالیت
مجموع	پکتیا (کمترین اعزام-P)	ننگرهار (بیشترین اعزام-P)	بامیان (کمترین اعزام-H)	کابل: (بیشترین اعزام-H) کابل ولسوالی	
۷	۱	۲	۳	۱	۱. سوالنامه برای باشندگان منطقه
۴ (۲۹)	۱ (۷ اشتراک کننده)	۱ (۷ اشتراک کننده)	۱ (۱۰ اشتراک کننده)	۱ (۵ اشتراک کننده)	۲. گروه مباحثاتی- برای اعضای منطقه
۱۰	۳	۲	۳	۲	۳. افراد مطلع معلوماتی-افراد ذینفع منطقه
۴۶	۱۱	۱۱	۱۶	۸	مجموع

از لحاظ اساسات تحقیق عمدتاً در این تحقیق از مصاحبه های مفصل با افراد کلیدی از میان گروه های گوناگون استفاده شده است. رده بندی مصاحبه شوندگان قرار زیر است:

۱. خانواده هایی که اطفال شان به صورت تنها راه مهاجرت به اروپا/استرالیا را در پیش گرفتند؛
۲. خانواده های که اطفال شان قصد سفر تنهایی به اروپا/استرالیا را داشته، اما در رسیدن به آن کشورها ناکام ماندند؛
۳. خانواده هایی که اطفال شان به خارج از کشور رفتند، اما دو باره به کشور، چه به صورت اجباری و یا رضاکارانه، بازگشتند؛
۴. خانواده هایی که اطفال شان قصد سفر تنهایی به کشور های مذکور را نکردند؛
۵. نوجوانی که قصد سفر به اروپا/استرالیا را کرد اما در رسیدن به آنجا ناموفق ماند؛
۶. اطفالی که قصد سفر به اروپا/استرالیا را کردند اما دو باره بازگشتند؛ و در نهایت
۷. اطفالی که هرگز قصد سفر به بیرون از کشور را نکردند.

جدول ۴ پاسخ دهندگان مصاحبه های مفصل این تحقیق در سطح ولایت

رده بندی	تعداد قضایا	ولایت		
		کابل	پکتیا	بامیان
خانواده ای با طفل پناهجوی بدون همراه	۸	۳	۱	۲
خانواده ای با طفل که برای رفتن به خارج اقدام کرد	۹	۳	۱	۲
خانواده ای با طفل پناهجوی که به خارج سفر کرد و به صورت جبری و یا اختیاری برگشتند	۱۰	۳	۲	۲
خانواده ای با طفل که برای رفتن به خارج اقدام نکرده است	۱۰	۲	۳	۲
طفلی که پس از سفر بازگشته است	۱۳	۶	۲	۳
طفلی که اقدام به سفر کرده اما ناکام مانده است	۸	۲	۱	۳
طفلی که هیچگاه برای رفتن اقدام نکرده است	۱۰	۲	۳	۲
تمام رده ها	۶۸	۲۱	۱۳	۱۸

در تمام نمونه های مطالعاتی از تمام رده های مصاحبه شونده گان به صورت یکسانی استفاده صورت گرفت. اطفال مصاحبه شونده بایستی در زمان اقدام شان برای سفر به خارج از کشور زیر ۱۸ سال بوده باشند. و هم چنین کسانی که در هنگام مصاحبه برای این تحقیق برای سفر بدون همراه اقدامی نکرده بودند نیز زیر ۱۸ سال قرار داشته باشند.

۲.۴ مناطق مورد مطالعه

به منظور روشن سازی شرایط اجتماعی- اقتصادی مناطق مورد مطالعه، معلومات اجتماعی- دموگرافیک و اقتصادی از منابع مختلفی به دست آورده شد.

نمایه ولایت کابل (بالاترین میزان اطفال رفته به خارج، منطقه اکثریت هزاره نشین)

ولایت کابل در مرکز افغانستان قرار دارد. افراد زیر ۱۵ سال نزدیک به ۴۴ درصد جمعیت این ولایت را تشکیل می دهد.^{۳۱} نرخ فقر در این ولایت ۲۳.۱ درصد بوده که تقریباً ۱۳ درصد کمتر از نرخ فقر در سرتاسر کشور است. نرخ بیکاری در این ولایت ۱۰.۷ درصد بوده که بالاتر از نرخ اوسط بیکاری در سطح کل کشور، یعنی ۷.۹ درصد^{۳۲}، است. با این حال، نرخ مشاغل نازل و موقتی در کابل ۱۸.۹ درصد بوده که کمتر از حد معمول در کل کشور (۴۸.۲ درصد) ارزیابی می شود. میزان سواد در این ولایت (۴۶.۸ درصد) و نرخ سواد زنان و دختران (۳۰.۲ درصد) بوده که به ترتیب بالاتر از نرخ ملی ۲۵ درصد و ۱۱.۴ درصد است.^{۳۳} در ارتباط به دسترسی به زمین، کابل در میان سایر ولایات در مرتبه پایینی تری قرار دارد.^{۳۴}

از لحاظ مسایل امنیتی، با وجود برخی اتفاق ها هنوز هم کابل نسبت به سایر ولایات مصوون تر و با ثبات تر در نظر گرفته می شود.^{۳۵} البته در این ولایت تعدادی از حملات انتحاری علیه سازمان های بین المللی، کاروان های نیروهای بین المللی و مناطق ملکی انجام یافته است.^{۳۶} در سال ۲۰۱۱ میلادی، ۹۴ درصد تلفات ملکی در کابل در نتیجه حملات انتحاری بوده است.^{۳۷} عناصر ضد دولتی به طور قصدی افراد ملکی را که در منازعه هیچ نقشی نداشتند، مورد هدف قرار داده و همچنان به طور فعال دست به تهدید گسترده (از جمله مسدود ساختن راه ها، تهدید های عمومی و مختل سازی کار شبکه های تلفونی) علیه افراد ملکی ای زدند که از نظر آنها برای حکومت افغانستان، نیروهای نظامی و سازمان های بین المللی کار می کنند.^{۳۸}

۲۱ اداره مرکزی احصایه، ارزیابی ملی مخاطرات و آسیب پذیری ها ۲۰۰۸/۲۰۰۷: پروقایل افغانستان، کابل، هیات کمیسیون اروپا در افغانستان، ۲۰۰۹، ۱۲.

۲۲ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۳/الف تا ی: کتاب رهنا برای کمک به افغانستان، کابل، AREU، ۲۰۱۳، ۱۱۹.

۲۳ همان منبع

۲۴ اداره احصایه ارزیابی مخاطرات ۲۰۰۸/۲۰۰۷، ص ۴۱

۲۵ خدمات مهاجرت دنمارک، افغانستان: اطلاعات در مورد وطن اصلی پناهندگان به منظور استفاده در روند تصمیم گیری در مورد اعطای پناهندگی، می ۲۰۱۲ میلادی، ص ۶ <https://www.nyidanmark.dk/NR/rdonlyres/3FD55632-770B-48B6-935C-827E83C18AD8/0/FFMrapportenAFGHANISTAN2012Final.pdf>

۲۶ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۰: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، یوناما، ۲۰۱۱.

۲۷ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۱: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، یوناما، ۲۰۱۲، ص ۵.

۲۸ منبع پیشین، ص ۱۰

نمایه ولایت بامیان (کمترین فرستنده اطفال مهاجر، منطقه ای با اکثریت هزاره)

ولایت بامیان از جمله مناطق مرکزی افغانستان است. گروه قومی عمده در این ولایت هزاره و پس از آن تاجک، تاتار و پشتون استند. این ولایت عمدتاً روستایی بوده، ۵۵.۷ درصد جمعیت آن فقیر است. میزان بیکاری در این ولایت ۸ درصد و نرخ مشاغل نازل و موقتی ۴۸ درصد است. نرخ سواد در این ولایت ۲۰.۲ درصد است که ۵ درصد کمتر از حد اوسط ملی می باشد. نرخ سواد در میان زنان ۶.۱ درصد است. بامیان یکی از ولایات با میزان بالای خانواده های زمین دار و باغدار در کشور است (۸۰ درصد و یا بیشتر).^{۲۹}

بامیان به عنوان یکی از امن ترین ولایات افغانستان به حساب می آید.^{۳۰} البته حملاتی در راه های مرتبط به این ولایت در سال ۲۰۱۲ میلادی اتفاق افتاد که موجب ایجاد برخی نگرانی ها شد.^{۳۱} گروه های مسلح غیر قانونی و جنگسالاران وابسته به رژیم سابق طالبان در ولسوالی های سیغان، کهمرد و شبیر به حضور خود ادامه دادند. مناقشات بر سر زمین میان خانواده ها در این ولایت باعث جرم، قتل و آدم ربایی شده است. در حالی که میزان کشت کوکنار در جریان سال های گذشته به طور معناداری کاهش یافته است، اما اگر کشاورزان این ولایت از لحاظ معیشتی در تنگنا قرار بگیرند افزایش در میزان کشت و تولید کوکنار در آنجا قابل پیش بینی است. گزارش هایی در مورد قاچاق مواد مخدر از طریق بامیان تا دایکندی و بعد هلمند به ارزگان و یا هرات در دست است.

نمایه ولایت ننگرهار (منطقه با بیشترین پناهندگان نوجوان، اکثریت پشتون)

ولایت ننگرهار در شرق افغانستان و هم مرز با ولایت خیبر پختونخواه پاکستان موقعیت دارد. اکثریت باشندگان این ولایت پشتون می باشند. تنها ۱۵ درصد این ولایت جز شهر به حساب می آید. نرخ فقر در این ولایت ۳۳ درصد بوده که نزدیک به نرخ اوسط ملی است. نرخ بیکاری در ننگرهار ۱۰.۶ درصد، به مراتب پایین تر از نرخ بیکاری ۷.۹ درصد در سطح ملی می باشد. نرخ مشاغل نازل و موقتی در این ولایت ۵۴.۹ درصد بوده که اندکی بالاتر از حد معمول ملی (۴۸.۲ درصد) است. نرخ سواد در ننگرهار ۲۲.۸ درصد بوده که ۲.۲ درصد کمتر از حد ملی می است و میزان سواد در میان زنان تنها ۶.۹ درصد است که در مقایسه با حد اوسط نرخ ملی ۱۱.۴ درصد، تا حد زیادی پایین است. میزان باشندگان ساکن ننگرهار ۱،۴۰۹،۶۰۰ میلیون نفر بوده^{۳۲}، و این ولایت از لحاظ بازگشت مهاجرین به کمک UNHCR، و به داشتن زیادتر از ۹۳۱،۰۰۰ مهاجر بین سال های ۲۰۰۲ الی مارچ ۲۰۱۴ میلادی دومین ولایت کشور به حساب می آید.^{۳۳}

وضعیت امنیتی در این ولایت بحرانی است.^{۳۴} در ولایات شرقی و جنوب شرقی افغانستان از جمله پکتیکا و ننگرهار افزایش مضاعف از لحاظ منازعه و تلفات ملکی به میزان ۳۴ درصد در سال ۲۰۱۱ میلادی اتفاق افتاد.^{۳۵} میزان تلفات ملکی و خشونت های ناشی از منازعه میان نیروهای امنیتی و شورشیان در سال ۲۰۱۲ میلادی تا حد کمی کاهش پیدا کرد. بین سال های ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۳ میلادی انفجار بمب های کنار جاده و حملات انتحاری در ساحات ملکی - از جمله حادثه خبر ساز حمله به کابل بانک در جلال آباد در سال ۲۰۱۲ میلادی - در این ولایت افزایش داشته است.^{۳۶} عناصر ضد دولتی در این ولایت حضور داشته و فعالیت های نظامی - از جمله اشغال مکاتب - را در ولسوالی های خوگیانی، پچیر و آگام، چپرهار و تا حدی هم شیرزاد انجام می دهند. افزایش در میزان حملات بالای تاسیسات تعلیمی در سرتاسر این منطقه صورت گرفته که این حملات شامل سوختاندن مکاتب و موسسات تعلیمی، و همچنان تهدید، مجروح ساختن و کشتن معلمان و شاگردان می شود.^{۳۷} از سال ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۴ میلادی، حملات راکتی علیه شورشیان از سوی نیروهای پاکستانی موجب تلفات ملکی و بیجایی آوارگی مردم و تخریب خانه ها و مواشی کشاورزان شده است.^{۳۸}

۲۹ اداره احصایه/ارزیابی مخاطرات ۲۰۰۷/۲۰۰۸

۳۰ وزارت اجیا و انکشاف دها: برنامه ملی توسعه ای، بامیان، نمایه ولایتی

۳۱ گراهام بولی، «طالبان یکی از امن ترین نقاط افغانستان را مورد حمله قرار دادند، نیویارک تایمز، ۳۰ اکتوبر ۲۰۱۲ میلادی، آخرین دسترسی جنوری ۲۰۱۴ <http://goo.gl/tzQVof>

۳۲ اداره مرکزی احصایه، کتاب سالانه آمار افغانستان ۲۰۱۱-۲۰۱۲

۳۳ اطلاعات تازه ماهانه ولرپ و نظارت مرزی، مارچ ۲۰۱۴ میلادی، آخرین دسترسی به مطلب ۱۰ اگست ۲۰۱۴ میلادی در <http://www.refworld.org/docid/534d43ac4.html>

۳۴ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۰: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، یوناما؛ گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۲: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، یوناما، کابل، ۲۰۱۳

۳۵ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۱: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، ص ۱۰

۳۶ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۲: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، ص ۱۸

۳۷ منبع پیشین، ص ۳۸.

۳۸ یوناما، حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، یوناما؛ گزارش سالانه افغانستان، ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳.

نمایه ولایت پکتیا (منطقه با میزان پایین اطفال مهاجر و عمدتاً پشتون نشین)

ولایت پکتیا دارای ۵۲۵ هزار نفر^{۳۹} جمعیت بوده که تنها ۴ درصد این ولایت شهری به حساب می آید. نرخ فقر در این ولایت (۶۰.۶ درصد) دو برابر حد اوسط فقر در سطح ملی (۳۵.۸ درصد) است.^{۴۰} نرخ بیکاری ۸ درصد و مشاغل نازل و موقتی (%۴۹.۶) در ولایت پکتیا به ترتیب نزدیک به حد اوسط ملی (۷.۹ درصد و ۴۲.۲ درصد) است.^{۴۱} نرخ سواد در این ولایت ۱۱.۵ درصد بوده که ۱۳.۵ درصد کمتر از حد اوسط ملی است. نرخ سواد در میان زنان و دختران در کمترین حد خود (۱.۲) قرار دارد.

با این که میزان تلفات ملکی در ولایت پکتیا در سال ۲۰۱۲ میلادی کاهش یافت اما UNAMA و UNOCHA تعدادی از واقعات را که منجر به مرگ افراد ملکی در ۲۰۱۳ میلادی شد، ثبت کرده اند.^{۴۲} این واقعات شامل حملات عمدی بالای افراد ملکی از سوی عناصر ضد دولتی و همچنان تلفات ناشی از تنش ها در ایست های بازرسی و همچنان نبرد های مسلحانه میان نیروهای دولتی و ضد دولتی می شود. حفاظت از افراد ملکی در ولایت پکتیا ضعیف بوده و حضور حکومت بیشتر محدود به مراکز ولسوالی ها است.^{۴۳} همان طوری که اشاره رفت عناصر ضد دولتی کنترل بیشتر در برخی از ولسوالی های این ولایت داشته که این خود به آسیب پذیری بیشتر افراد ملکی در ساحات مذکور می افزاید.^{۴۴} در برخی از مواقع، سازش ها بر سر تقسیم قدرت و حضور در مناطق میان نیروهای دولت و شورشیان صورت می گیرد. این خود در کوتاه مدت منجر به کاهش میزان خشونت در ساحات مذکور شده، اما در بلند مدت نا امنی در فقدان ساختار های قانونی محافظت از جان غیر نظامیان همچنان پا برجا می ماند.^{۴۵} کنترل نیروهای ضد دولتی بر این مناطق بالای تعلیم و تربیه تاثیر می گذارد چون آنها از معلمان می خواهند که به جای نصاب تعلیمی دولتی از نصاب تعلیمی طالبان استفاده کنند. حتا مابیل شاگردان مورد بررسی قرار می گیرد که آیا آنها موزیک های مربوط به طالبان را در زنگ تیلیفون های خود دارند و یا خیر.^{۴۶} کنترل محدود دولت در این ولایت باعث کاهش در امنیت و میزان حفاظت از افراد ملکی شده است.

۳۹ واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۳ از الف تا یا: کتاب رهنما برای کمک به افغانستان، ص ۱۲۰.

۴۰ منبع پیشین، ص ۱۱۹

۴۱ منبع پیشین.

۴۲ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۳: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، یوناما ۲۰۱۴

۴۳ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۲: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، ص ۶۴

۴۴ منبع پیشین.

۴۵ یوناما، گزارش سالانه افغانستان ۲۰۱۲: حمایت از افراد ملکی در جریان منازعات مسلحانه، ص ۶۵

۴۶ منبع پیشین.

۳. یافته‌ها

الف. خصوصیات اطفال افغان بدون همراه که به خارج رفته‌اند

یافته‌ها از مطالعه این چهار ولایت نشان می‌دهد که سن اطفالی که قصد سفر به خارج از کشور را دارند بین ۱۳ الی ۱۷ سال بوده و در برخی موارد کمتر از این و تا ده سال نیز گفته شده است. این یافته‌ها در مطابقت با تحقیق UNICEF که در بالا به آن اشاره شد قرار دارد. در آن گزارش سن مصاحبه‌شوندگان بین ۱۴ الی ۱۷ سال ذکر یافته بود؛ به همین سان در گزارش سال ۲۰۱۰ UNICEF نیز سن گروه مذکور ۹ الی ۱۸ به بالا که اکثریت شان مدعی بودند که ۱۶ و ۱۷ سال دارند، قید شده بود. بر اساس معلومات مصاحبه‌مذکور معلوم بود که خانواده‌های اطفال از موجودیت حمایت‌های مخصوص در کشورهای اروپایی و استرالیا برای افراد زیر ۱۸ سال آگاهی داشته و از نظر آنها چانس ماندن اطفال در این کشورها بالا است. این موضوع در تصمیم‌شان برای فرستادن اطفال شان بدون همراه به کشورهای مذکور تاثیر گذار است.

اطفال بدون همراه مرد و سن شان مطابق به شمولیت در دوره‌ء ثانویه بود. بسیاری از آنها، و نه تمام شان، شامل دوره ثانویه بودند. زنان جوان به ندرت و یا هرگز به خاطر محدودیت‌های فرهنگی و نقش‌های تعیین شده برای آنها در جامعه و خانواده تن به چنین سفر دور و درازی نمی‌دهند.

”بلی، تنها بچه‌ها سفر کرده می‌توانند. در اینجا معمول نیست که زنان و دختران به تنهایی سفر کنند...“ (راضیه، ۳۵ ساله، زن، گروه مباحثاتی- نگرهار)

”خوب در رابطه به کسانی که به این سفر می‌روند می‌خواهم بگویم که اکثریت شان مرد و سن شان ۱۷ سال است. زنان و دختران به تنهایی به خاطر حساسیت‌های فرهنگی به چنین سفری نمی‌روند...“ (علوی، ۲۵ ساله، مرد، مصاحبه‌های کلیدی).

اکثریت اطفالی که راه سفر به خارج را در پیش می‌گیرند، تنها عضو پسر و یا فرزند ارشد خانواده نیستند. به صورت کلی، اشتراک کنندگان در تمام این مناطق مورد مطالعه بیان داشتند که فرزندان جوانتر خانواده و نه ارشد به تنهایی به خارج فرستاده می‌شوند. آنها فرزند دوم، سوم و یا عضو کوچکتر خانواده بوده می‌توانند.

”به نظر من آنانی که فرزندان بسیار جوان خود را به خارج از کشور می‌فرستند، بیشتر به خاطر فقر و بی‌امکاناتی در جامعه است. شاید آن اطفالی که به خارج می‌روند پدر شان بیکار است و یا خود آن اطفال کاری پیدا کرده نمی‌توانند. بسیاری از خانواده‌ها فرزند دوم خود را به خارج می‌فرستند چون فرزند ارشد باید در خانه بماند و پدر را در زراعت همکاری کند...“ (ف، ۳۵ ساله، زن، گروه مباحثاتی- بامیان)

”...اکثریت اوقات، فرزند اول خانواده بیشتر از فرزندان دیگر آن خانواده ازدواج می‌کند، و فرزند دوم به بیرون رفته تا خرج بقیه اعضای خانواده را پیدا کند.“ (علوی، ۲۵ ساله، مرد، مصاحبه‌های کلیدی).

”اطفالی که راهی خارج می‌شوند ۱۵ الی ۱۶ سال سن داشته و مرد اند؛ پشتون اند و در صنف ۱۰ الی ۱۲ مکتب هستند؛ فرزند جوانتر و یا کاملاً کوچک خانواده هستند...“ (کازمی، ۶۳ ساله، مرد، مصاحبه‌های کلیدی- نگرهار)

البته در برخی از قضایا فرزند ارشد نیز، اگر بهترین گزینه برای حمایت از فامیل فرض شده، به تنهایی به خارج از کشور فرستاده شده است. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان از ولایت بامیان توضیح داد که چطور فرزند ارشد خود را به صورت تنهایی به ایران فرستاد:

”خودم خیلی پیر شده و توانایی کار را ندارم. این تنها دلیلی بود که پسر مرا به ایران فرستادم. به خاطر این که بزرگترین فرزندم بود تصمیم گرفتم به آنجا بفرستمش. او باید به آنجا رفته و کار می‌کرد؛ سایر فرزندانم بسیار جوان هستند.“ (علی آقا، ۵۵ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه‌های مفصل- بامیان).

ویژه‌گی‌های دیگری که از نظر خانواده‌ها و جامعه باعث فرستادن بچه‌ها بدون همراه به خارج از کشور می‌شود، این است که آنها هوشیار و به لحاظ بدنی قویتر هستند. همین ویژه‌گی‌ها چانس آنها را برای فرستادن شان به خارج از کشور بیشتر می‌کند.

مردم منطقه این تصور مشترک را داشتند که معمولاً خانواده‌های فقیر و پر جمعیت، با میزان پایین تعلیم فرزندان خود را معمولاً برای کار به بیرون از کشور می‌فرستند. بنا بر تصور موجود از مشاغل سرپرست‌های خانواده‌های مذکور مرد آنها شامل افراد بیکار یا دهقان، دستفروش، دوکانداران متوسط و مامورین پایین رتبه دولت می‌شوند.

آن‌عده از خانواده‌هایی که فرزندان خود را بدون همراه به خارج از کشور می‌فرستند شامل دو دسته می‌شوند: ۱) خانواده‌های فقیر اما نه در آن حد که از دیگران برای فرستادن فرزندان شان به خارج از کشور پول قرض کرده نتوانند؛ ۲) خانواده‌های که پول سفر فرزندان خود را بر اساس امکانات دست‌داشته (مانند فروش زمین و به‌گرو دادن جای‌داد) تامین کرده می‌توانند. البته این خانواده‌ها که مزایای نهایی رفتن فرزندان خود به خارج را بیشتر از خطرهای سفر شان می‌دانند، جز خانواده‌های مرفه نیستند.

به منظور انجام مقایسه، از مصاحبه شوندهگان خواسته شد تا به توصیف اطفالی که در منطقه شان زندگی کرده و قصد سفر تنهایی به خارج از کشور را نکرده اند، بپردازند. از نظر آنها خانواده های که فرزندان شان را به چنین سفری به خارج از کشور نمی فرستند دارای این خصوصیات اند: (۱) به خاطر فقر نه توانایی مالی پرداخت سفر را دارند و نه می توانند از کسی برای این مقصد پول مورد نظر قرض بگیرند؛ و (۲) تا حدی از رفاه و مکتب برخوردار بوده و حاضر نیستند که فرزندان خود را به خاطر سفر به خارج به خطر انداخته و در عوض می خواهند که فرزند شان در کشور مانده و تحصیل خود را ادامه دهند. این اطفال از خانواده هایی می آیند که سرپرست خانواده دارای تحصیلات عالی بوده و دارای "شغل خوب" با درآمد کافی است. مثلاً در حکومت و بخش تجارت دارای موقعیت بالایی اند.

ب. انگیزه های مهاجرت به خارج از کشور

"مهمترین دلیل این بود که کشور را می خواستم ترک بگویم، و خیلی به خانواده اصرار کردم تا که مرا به خارج بفرستند. دلیل دیگر این است که خانواده و شخص من چیزی در بساط نداشتیم. در کشور نا امنی، نبود تعلیم و تربیه، و نبود امکانات زندگی مانند خانه، موتر، کار و تحصیلات است. به همین دلایل خانواده ام موافقت کرد که مرا به خارج بفرستند." (امینی، ۱۷ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه های مفصل - ننگرهار)

"او می خواست که جانش در خطر نباشد و به خاطر همین از افغانستان خارج شد." (عبدالله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه های مفصل - پکتیا)

"فکر می کنم زندگی راحت افرادی که در اروپا به سر می برند و از منطقه ما هستند بچه های دیگر را تشویق به ترک افغانستان کرده تا مانند آنها صاحب زندگی خوبی شوند. فقر نیز یک دلیل برای سفر به خارج از کشور بوده می تواند. برخی اوقات وقت دوستان دور هم می نشینند و تصمیم سفر به خارج از کشور را می گیرند." (م، ۳۸ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

"می خواستم که فرزندم آینده خوب و روشن داشته باشد، درس و کار خوب پیدا کرده بتواند که در اینجا برایش میسر نیست. این ها دلایلی بودند که با رفتنش به خارج از کشور موافقت کرده تا زندگی بهتری داشته باشد." (هیوال، ۸۰ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - کابل)

تمایل به داشتن "آینده خوب و روشن" و "زنده گی بهتر" در اکثر مصاحبه ها به عنوان یکی از بخش های کلیدی انگیزه فرستادن اطفال به خارج از کشور شنیده می شد. همان طوری که در نقل قول بالا به مشاهده می رسد، این موضوع به نوبه خود ریشه در دلایل امنیتی، اقتصادی و اجتماعی داشته و فاکتور های نامبرده با یک دیگر مرتبط اند.

فقر و جستجو برای فرصت ها

در جریان این پروژه تحقیقی یکی از پاسخ های آشنا از سوی مصاحبه شوندهگان در ارتباط به مهاجرت به بیرون از کشور دست یافتن به ثبات اقتصادی و فرصت ها بود. چه تصمیم برای مهاجرت از سوی خود اطفال گرفته شده است، یا والدین و یا توسط هر دو، وضعیت ضعیف اجتماعی-اقتصادی خانواده ها و فرصت های نازل کاری در افغانستان مهمترین عامل دخیل در این اقدام بوده است. از نظر آنها فرزندان شان با رفتن به بیرون از کشور می توانند که به فرصت های بهتر کاری دست یابند، و بعد برای خانواده های خود در افغانستان پول بفرستند. همان طوری که در پایین دیده می شود، این تصور در اثر مشاهده خانواده های مذکور از زندگی وابسته گان شان در بیرون از کشور و همچنان اطلاعاتی که در این مورد در جامعه در باره زندگی خارج از کشور وجود دارد، شکل گرفته است. این یافته را در تحقیق از هر چهار ولایت مذکور می شود دید.

این مشکلات اقتصادی است که باعث می شود تا خانواده ها اطفال زیر سن شان را به خارج از افغانستان بفرستند. (خیریه، ۲۳ ساله، زن، ننگرهار).

"خانواده من دارای مشکلات فراوانی بود. ما مشکلات اقتصادی داشتیم، برای همین تصمیم گرفتم به خارج رفته و با کسب در آمد برای خانواده ام نیز زندگی بهتری در آینده بسازم." (محمد علی، ۱۶ ساله، پسر، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - کابل)

"او می خواست که به خارج برود. زمانی که این تصمیم را گرفت، به نزد من و پدرش آمد. پدرش از تصمیم او حمایت کرد تا با رفتن به خارج از لحاظ اقتصادی نیز ما را کمک کند فکر می کردم که اگر او به خارج برود ما را در قسمت داشتن زندگی بهتر کمک کرده می تواند. او نباید زندگی مثل ما در این کشور داشته باشد؛ وضعیت اقتصادی اش باید بهتر از ما باشد." (ماللی، ۳۸ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - ننگرهار)

بر علاوه به دست آوردن فرصت های کاری، چشم انداز دسترسی به تعلیم و تربیه و آرزوی زندگی بهتر در کشور های صنعتی انگیزه های دیگر مهاجرت به حساب می آید.

“افرادی که بچه‌های شان در خارج است و همان‌هایی که از خارج بر می‌گردند، می‌گویند که لندن بهترین جای است. این شهر دارای امنیت خوب بوده، تمام مردم از قانون تابعیت می‌کنند، و بهترین مناظر برای دیدن دارد. شما در آنجا امکاناتی چون کار، موتر، خانه و تعلیم و تربیه را داشته و به نایت کلب‌ها رفته می‌توانید. اما شما چنین چیزهایی را در افغانستان داشته نمی‌توانید، از همین خاطر تصمیم گرفتیم که به خارج بروم.” (دلسوز، ۱۷ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل - ننگرها)

برای نوجوانی که در بالا از او نقل قول شد، آرزوی داشتن امنیت و ثبات در کنار داشتن تعلیم و شغل توأم با یک زندگی سرخوش و جوانانه با آمدن در غرب مسیر می‌شود.

جنگ و نا امنی

جنگ و نا امنی بخشی از دلایل اقدام اطفال افغان برای رفتن تنهایی از کشور است. نا امنی برای برخی از این اطفال عامل اصلی رفتن شان از کشور بوده و برای برخی دیگر در کنار نبود امنیت مسایل دیگر نیز در تصمیم شان برای مهاجرت دخیل است.

مشکل نبود امنیت از سوی چندین نفر در ننگرها و پکتیا (ولایات با اکثریت پشتون) در گفتگوهای شان با مصاحبه‌گران این تحقیق به عنوان دلیلی جهت فرستادن فرزندان شان به بیرون از کشور ذکر شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان از ولایت ننگرها که فرزندش به خاطر ترس از طالبان آنجا را ترک کرد، گفت:

“به خاطر طالبان و جنگ‌ها راضی شدم که پسرم به خارج برود. در کشور جنگ بود و از این که در این جریان برای پسرم چه اتفاقی خواهد افتاد، بیمناک بودم. بچه‌ام نیز ترسیده بود و تصمیم گرفت که خاک افغانستان را ترک بگوید که من نیز با این تصمیم اش موافق بودم. مشکلات امنیتی باعث رفتن پسرم از کشور شد.” (ملالی، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - ننگرها)

یکی از مصاحبه‌شوندگان دیگر از ولایت پکتیا در باره خطر دیگری که متوجه اطفال در کشور است، حرف زد که منظور اش بچه بازی و سوء استفاده جنسی از آنها توسط افراد قدرتمند بود.

“در اینجا قومندان‌های محلی اند که از بچه‌های نوجوان به خاطر مسایل جنسی و رقص و بازی سوء استفاده می‌کنند. به این خاطر اطفال مطلوب نظر آنها به زور گرفته شده و مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. اطفال زیادی با این خطر مواجه اند؛ برای همین خانواده‌ها به منظور حفظ پسران خود آنها را به خارج از کشور می‌فرستند.” (دادگل، ۳۳ ساله، مرد، گروه‌های مباحثاتی - پکتیا)

گروه کوچکی از مصاحبه‌شوندگان از ولایت کابل (از میان اکثریت هزاره) نیز به مشکل بی‌امنیتی به عنوان دلیل رفتن اطفال به خارج از کشور اشاره کردند.^{۴۷} یکی از آنها از ولایت کابل که اصلاً باشنده ولایت وردک است، در مورد بی‌امنیتی به عنوان دلیل رفتن برادرش از افغانستان، گفت:

“تنها دلیل رفتن اش بی‌امنیتی و حمله کوچی‌ها بالای قریه ما در ولسوالی بهسود میدان وردک بود. به خاطر همین خانواده من با رفتن او به خارج از کشور موافقت کرد.” (باسط وزیری، ۲۲، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - کابل)

زمانی که آنها قریه شان را ترک گفتند، والدین و تنها خواهر شان در اثر حمله کوچی‌ها جان خود را از دست دادند. این دو نفر از جمله مصاحبه‌شوندگان انگشت شماری بودند که سفر شان به خارج از کشور با تجربه یک خشونت ارتباط داشت.

نا امنی می‌تواند که پیوند نزدیک با سلب حقوق و توأم با مشکلات اقتصادی باشد که در اثر آن خانواده‌ها مصمم به فرستادن فرزندان شان به خارج از کشور بدون کدام همراهی می‌شوند. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان از ولایت پکتیا دلایل مهاجرت یک عضو فامیل خود را شرح داد که در آن میان تهدید طالبان به خاطر رفتن طفل آن خانواده به مکتب نیز شامل بود:

“طالبان به بچه‌ام به خاطر رفتن به مکتب هشدار دادند، و همچنان ما دارای مشکلات اقتصادی نیز بودیم. وضعیت ما خوب نبود، پولی که به دست آورده بودیم مصرف سفرش به خارج شد.” (م، ۳۸ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

یک زن دیگر از کابل که اصلاً مربوط به ولایت وردک بود، و اقدام فرزندش برای رفتن به بیرون از کشور ناکام مانده، داستان مشابهی را تعریف کرد:

“خانه ما توسط کوچی‌ها سوختانده شد. ما پولی در بساط نداشتیم ولی تصمیم گرفتیم که بچه خود را به ایران روان کنیم. او باید کار می‌کرد و پیسه در می‌آورد تا ما در اینجا خانه خود را مجدداً اعمار می‌کردیم.” (الف، ۱، ۴۵ ساله، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - کابل)

۴۷ باید به خاطر داشت که پاسخ دهندگان از ولایت کابل عمدتاً (باشندگان اصلی) ولایت غزنی که وضعیت امنیتی در آن جا خوب نیست، بودند.

سرگذشت مذکور به صورت روشن رابطه میان ناامنی اقتصادی و فزیک را نشان می دهد. همان طوری که دیدیم یک منازعه خانهدیک فامیل را ویران کرده و منجر به آسیب پذیری اقتصادی شان شد که در نتیجه یکی از اعضای خود را برای جبران خسارت و سر و سامان دادن به این وضعیت به صورت تنهایی به خارج از کشور فرستادند. همان طوری که کمیشنریای عالی حقوق بشر دفتر سازمان ملل متحد اشاره کرد، "ناامنی برای دوره طولانی در زندگی افغانها حضور داشته است؛ منازعات مسلحانه منجر به تشدید فقر و توقف برنامه های توسعه ای در کشور شده است."^{۴۸۴}

نقش جامعه

وقتی در بین مردم از وضعیت بهتر خانواده هایی که در خارج فرزند شان زندگی می کنند، تعریف می شود سایر خانواده ها نیز با توجه به این معلومات جهت فرستادن عضوی از خانواده به کشور های دیگر انگیزه می گیرند. بر اساس مطالعه در چهار ولایت نامبرده، پولی که به خانواده ها از خارج توسط فرزندان شان فرستاده می شود و همچنان موفقیتی که آنها در خارج از کشور به دست آورده اند، از سوی خانواده های دیگر که از چنین مزیتی برخوردار نیستند، به دیده قدر و بسیار مهم نگریسته می شود. همان طوری که در پایین اشاره شده است، اجتماع منبع مهم معلوماتی است که بر اساس آن و به تمنای به دست آوردن فرصت های خوب، خانواده ها فرزندان خود را به خارج از کشور می فرستند:

"اجتماع {در این راستا} نقش ترغیب کننده ای دارد. تقریباً هر کسی در اجتماعی در جریان گردهمایی ها و مراسم سنتی مانند عروسی ها در مورد مزایای داشتن یک عضوی از فامیل در بیرون از کشور حرف می زند و ناامیدی خود را از وضعیت فعلی و آینده کشور ابراز می دارد. آنها خوشحال اند که بچه ها به خارج بروند و حتا آنها را به رفتن تشویق نیز می کنند. وقتی مردم در مکانی مثلاً مسجد جمع می شوند یک دیگر را برای فرستادن فرزندان خود به خارج به خاطر به دست آوردن یک زندگی و تعلیم بهتر تشویق می کنند" (حسینی، ۲۶ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - کابل)

"مردم اطفالی را که کشور را ترک کردند، ستایش می کنند." (نسرین، ۳۳ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - بامیان)

"فکر نمی کنم که اجتماع نقشی در رفتن بچه ها به خارج از کشور داشته باشد، اما همیشه در میان مردم تصورات مثبت در بر خورد با آنهاست که کشور را ترک گفته اند وجود دارد. مردم می گویند خانواده ای که در خارج فرزند شان زندگی می کند، دارای وضعیت مالی بهتری است." (سید غنی، ۲۵ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

"مردم فکر می کنند وقتی کسی کشور را ترک کرد و به خارج رفت حتما در آنجا پول زیادی پیدا می کند و مردم چنین کسانی را به دیده قدر می بینند." (مینا، ۴۹ ساله، زن، گروه مباحثاتی-ننگرها)

نقش همسن و سالان

در مواردی که خود اطفال تصمیم به سفر بدون همراه به خارج از کشور می گیرند، تاثیر همسن و سالان به عنوان عامل تشویق کننده برجسته است. همسن و سالان شاید تاثیر مستقیم و غیر مستقیم در تصمیم گیر های یک دیگر در ارتباط به ترک کشور داشته باشند. غیر مستقیم به این معنا که وقتی یکی از آنها در خارج از کشور زندگی می کند تبدیل به منبع معلومات و اغلب آرایه دهنده تصویر مثبت از وضعیت زندگی خود برای همقطاراناش می شود. چنان که یکی از اعضای خانواده نوجوانیکه به تنهایی به خارج از کشور رفته می گوید:

"رفیقان او که به خارج رفته اند دارای زندگی بهتری است. اما در اینجا یک روز کار داری و روز دیگر هیچ کاری برای کسب درآمد نداری. برای همین خانواده با گرفتن قرض فرزند خود را به خارج از کشور فرستاد. (صدف، ۲۲ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - ننگرها)

همان طوری که یک نوجوان پناهجوی اخراج شده در کابل اشاره می کند، دوستان همسن و سال در افغانستان برای یک دیگر منبع معلومات در مورد سفر و زندگی در خارج کشور اند:

"خانواده من در مورد سفر و زندگی در خارج کدام معلوماتی نداشتند، اما من از دوستان خود در مورد کشور های اروپایی و زندگی سهل در آنجا شنیدم. شنیدم که در آنجا به تعلیم و تربیه دسترسی داشته و جانم محفوظ است. همچنان، ارزش پول شان نسبت به پول افغانی بالاست. من این موضوعات را از دوستان خود که اعضای فامیل و یا دوستان شان در خارج زندگی می کنند، شنیدم." (محمد رضا، ۲۵ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - کابل)

چندین نوجوانی که قبلاً برای رفتن به خارج اقدام ورزیده و با آنها مصاحبه صورت گرفت، از تمایل خود به پیوستن به دوستان خود که در خارج زندگی می کنند، به عنوان عامل تشویق کننده ذکر کردند:

«در اول، رفتن به خارج تنها تصمیم من بود. سال‌ها قبل پدرم تصمیم به مهاجرت به پاکستان به اتفاق خانواده را گرفت. اکنون این تصمیم من بود که باید حتماً خارج بروم. خیلی می‌خواستم که به لندن بروم چون بسیار دوستانم به آنجا رفته بودند. با خانواده ام مشورت کردم و آنها برای فرستادنم به بیرون از کشور موافقت کردند.» (دلسوز، ۱۷ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل-نگرهار)

«خانواده از تصمیم ام حمایت کرده و هیچ مشکلی با آن نداشتند. آنها گفتند که باید تصمیم مذکور را عملی ساخته و همچنان فکر آینده بهتر در بیرون از کشور را در سر داشته باشم. نیاز ما داشتن کار، کسب درآمد و تکمیل تحصیل بود. ما چهار دوست داشتیم که خود را به بلجیم رسانده بودند و از همین رو ما نیز می‌خواستیم که به آنجا برویم.» (عبدالغفار، ۱۸ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل-نگرهار)

در برخی موارد، دوستان دارای تاثیر مستقیم برای تشویق همقطاران خود به مهاجرت به خارج از کشور اند. تعدادی از اطفال و افرادی که عضو فامیل شان در بیرون از کشور زندگی می‌کنند، در مصاحبه‌های خود گفتند که تصمیم برای ترک کشور از سوی خود اطفال در همراهی با دوستان شان گرفته شده است.

«من توسط دوستان خود (به مهاجرت) تشویق شدم. اعضای فامیل و وابستگان شان در خارج از کشور بسر می‌بردند. آنها صاحب تجارت و کار خوب در بیرون بودند. تصمیم من برای رفتن بر اساس تشویق آنها بود.» (فرید، ۲۷ ساله، مرد، اخراج شده از کشور مقصد، مصاحبه مفصل-پکتیا)

«خانواده من تصمیم گرفت که به خاطر فقر و مشکلات اقتصادی برادرم را به خارج بفرستد. اما در مورد خودم شخصاً تصمیم گرفتم که از کشور بیرون شوم چون در اینجا هیچ شغل و درآمدی وجود ندارد. خانواده ام اجازه نمی‌دادند که کشور را ترک کنم. پولی نداشتیم و کاری نیز نبود که از طریق آن پولی به دست آورم. از این رو، من و دوستانم تصمیم به فرار از خانه برای ساختن یک زندگی جدید در خارج از کشور گرفتیم.» (احمدی، ۱۸ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل-بامیان)

«نجیب‌الله خودش تصمیم به مهاجرت به اروپا را گرفت چون دوستان اش نیز به آنجا می‌رفتند. من و پدرش نیز تصمیم گرفتیم که اجازه رفتن به اروپا را به او بدهیم. من می‌گفتم که اگر اجازه اش ندهیم با دوستان خود از خانه فرار خواهد کرد. برای همین اجازه رفتن را دادیم.» (امیر بیگم، ۶۰ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل-کابل)

این اطفال با پیوستن به دوستان خود در خارج و یا برنامه ریزی برای مهاجرت، نمی‌خواهند که همانند آنها فرصت زندگی کردن و استفاده از امکانات را از دست بدهند. در نقل قول بالا "دلسوز" که از تصمیم پدرش مبنی بر مهاجرت خانواده گی به پاکستان گفت، اشاره کرد که اکنون به آن میزانی از پختگی رسیده است که برای خود تصمیم بگیرد و حتا دست به مهاجرت بزند. این ایده که مهاجرت می‌تواند برای یک جوان افغان "گذر به مرحله بزرگتر زنده گی" باشد به بحث ما در این تحقیق مرتبط است. الساندرو مانسوتی نوشت که "برای جوانان افغان، مهاجرت فرصتی برای کسب تجارب بیشتر، گسترش و متنوع ساختن روابط اجتماعی فراتر از روابط محدود همسایگی و فامیلی می‌باشد. حتا چنین به نظر می‌رسد که این تجربه یک قدم اساسی در زندگی آنها به حساب آمده که از طریق آن از طفلی و نوجوانی به بزرگسالی گذر کرده و قدم‌های بیشتر برای تبدیل شدن به یک مرد تمام عیار بر می‌دارند."^{۴۹} در حالی که تحقیق مانسوتی عمدتاً به جوانان هزاره مهاجر در ایران مرتبط است اما اهمیت اجتماعی مهاجرت جهت درک روند تصمیم‌گیری اطفال و جوانان برای ترک کشور را برجسته می‌سازد.

عوامل خانوادگی

برای برخی از جوانان، مهاجرت به خارج از کشور عبارت از فرصتی جهت فرار از سختی‌ها و کشاکش‌های فامیلی است که شاید مرتبط به عوامل اجتماعی-اقتصادی و یا سایر دلایل فردی باشد.

«دلیلی که ناصر را به بیرون از کشور فرستادیم موجودیت فقر در کشور بود. ما غذایی برای خوردن نداشتیم و نه پولی برای خرید آن. او و برادرش همیشه به خاطر نبود پول در خانه با یک دیگر جنگ می‌کردند. در آن زمان، یکی از آنها به دیگری می‌گفت که کار کند و پول پیدا کند، اما گوشش به این حرف‌ها نبود که در نتیجه به بگومگو و جنگ میان دو برادر منجر می‌شد. تمام برادران ناصر بیکار بودند. به خاطر وضعیت بد ما مجبور به فرستادن اش به خارج از کشور شدیم.» (احمد، ۵۵ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل-پکتیا)

«او خودش برای رفتن تصمیم گرفت. پدرش را از دست داده بود و از آن رنج می‌برد. او در اینجا زیر فشار قرار داشت. برایش دشوار بود که گوسفندان را بیرون ببرد و شوهر دومم نیز با پسر من رفتار خوبی نداشت. به خاطر همین مشکلات، افغانستان را ترک گفت.» (صابره، ۴۷، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل-کابل)

برای جوانان مذکور، شرایط دشوار در فامیل عاملی برای انتخاب سفر پر مخاطره به خارج از کشور بود.

۴۹ الساندرا مانسوتی، "مهاجرت به عنوان مرحله عبور: شکل‌گیری مردانگی و بزرگسالی در جوانان افغان در ایران"، *مطالعات ایرانی*، جلد ۴۰، شماره ۲، ۲۰۰۷، ص ۱۶۹.

عوامل انگیزه بخش و متقابلا تاثیر گذار

تحقیق یونیسف زیر نام (اطفال در حال حرکت...) خاطر نشان می دارد که اطفالی که به خارج از کشور به صورت "فردی" می روند، "امید کلی به یافتن زندگی بهتر خالی از جنگ و فقر دارند؛ جایی که قادر به داشتن زندگی مصوون، تکمیل تحصیلات، کار و کسب درآمد برای حمایت مالی از خود و خانواده شان باشند."^{۵۰} این مطالعه تایید می کند که جستجوی "زندگی بهتر" ارتباط به ترکیب پیچیده ای از عواملی دارد که بالای یک دیگر تاثیر گذار اند. در قسمت مهاجرت اطفال به خارج از کشور فقر، نبود فرصت های لازم تحصیلی و اشتغال، جنگ، و نقش و توقعات خانواده سهم داشته و از سوی دیگر دیدگاه های مثبت جامعه و دوستان در مورد زندگی در خارج، و همچنان تمایل به دست یابی به امکانات جهت استفاده از ظرفیت های فردی نیز به نوبه خود در گرفتن این تصمیم تاثیر گذار اند.

ج. تصمیم گیری و پیدا کردن پول برای سفر غیر قانونی به خارج از افغانستان

در تحقیق مذکور تفاوت های مشهودی در باره چگونگی تصمیم گیری در ارتباط به سفر به خارج از کشور در مناطق نامبرده تشخیص شده است.

در ننگرها و کابل تصمیم گیری در مورد سفر به خارج از سوی خانواده (معمولا از سوی پدر) و فرزند گرفته می شود. اغلب فرزند در باره ترک کشور فکر و تصمیم گرفته، بعد آن را با والدین و یا کلان خانواده در میان می گذارد. این خود آن یافته گزارش یونیسف (اطفالی در حال حرکت...) را تایید می کند که تصمیم برای سفر بدون همراه به غرب معمولا به صورت جمعی از سوی خانواده و فرزندان شان گرفته می شود؛ فرزندان در تصمیم گیری سهم گرفته و با اجازه و آگاهی خانواده خود راهی دیار دیگر می گردند.

"مادرم در مورد مهاجرت خانواده تصمیم گرفت. مثلا، برادر من به ایران رفت و شش سال در آنجا اقامت داشت، اما او فعلا در کابل است. تمام اعضای خانواده به بیرون از کشور نرفتند. در مورد خودم شخصا برای ترک کشور، با مشوره مادرم، تصمیم گرفتم." (نعمت موسوی، ۱۹ ساله، مرد، مصاحبه مفصل - کابل)

"در اول خانواده با بیرون شدن من از کشور موافق نبودند، اما در اثر اصرار و فشار من به رفتن رضایت دادند. به فامیلم گفتم که اگر اجازه رفتن ندهند از بام خانه خود را پایین می اندازم. آنها هیچ گزینه ای جز موافقت با تصمیم من نیافتند. دلیل دیگر این بود که من خورده ترین و کوچکترین عضو خانواده بودم. آنها مرا به اروپا فرستادند تا زودتر اقامت بگیرم." (ادریس، ۲۲ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - ننگرها)

در مقابل، در ولایت های بامیان و پکتیا، فرزندان حمایت خانواده خود را جهت رفتن فردی و غیر قانونی به خارج از کشور نداشتند. اطفال در بامیان از خانه های خود فرار کرده، پول سفر را مهیا ساخته، و حتا در مواردی پول اعضای فامیل را دزدیده تا سفر خود را به کشور های دیگر آغاز کنند. در ذیل نظرات برخی از مردم را در مورد مهاجرت اطفال به خارج در ولایت بامیان می آوریم:

"اطفالی که راهی سفر به خارج می شوند معمولا موافقت والدین خود را ندارند. معمولا زمانی که به کابل و یا هرات می رسند به خانواده های خود زنگ زده و به آنها در مورد تصمیم خود اطلاع می دهند. برخی از آنها می گویند که به خاطر دوستان بد که ترک خانه و کشور را تشویق می کردند، دست به این اقدام زدند." (سکینه، ۲۸ سال، زن، مصاحبه با افراد کلیدی - بامیان)

"۸۰ درصد بچه هایی که قصد سفر به خارج از کشور را می کنند، از خانه های شان فرار می کنند. تنها ۲۰ درصد شان با اجازه خانواده راهی سفر می شوند." (الف، ۶۰ ساله، زن، افراد معلوماتی کلیدی - بامیان)

"پسرم بدون اطلاع ما رفت و هیچ چیزی در مورد خارج رفتن خود نگفت." (ق، ۳۹ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - بامیان)

یک نوجوان از پکتیا گفت:

"معمولا کلان خانواده است که در فامیل تصمیم می گیرد. اما من شخصا تصمیم گرفتم. تا جایی که من می دانم، اکثریت بچه های گردیز بدون آگاهی و اجازه والدین برای رفتن به خارج تصمیم گرفتند." (سید غنی، ۲۵ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

معلوماتی که بر اساس آن تصمیم به رفتن از کشور گرفته می‌شود

منابع اطلاعات

در تمام چهار ولایت ذکر شده، تصمیم‌گیری در باره رفتن به خارج از کشور بر اساس معلوماتی است که از وابستگان و یا همسایگان و هم محله‌ای‌هایی که به خارج رفته و یا فرزندشان در خارج است، به دست آورده می‌شود. با این که بسیاری از پاسخ‌دهندگان در این تحقیق گفتند که خویشاوندی در بیرون از کشور ندارند، اما افغانهای مقیم اروپا مهمترین منبع معلوماتی برای افراد شایق به مهاجرت به آن قاره‌اند. یک باشنده ولایت پکتیا گفت:

“وقتی آنها خانواده‌هایی را می‌بینند که فرزندان‌شان به خارج از کشور رفته و اکنون دارای زندگی بهتری‌اند، خانواده‌های دیگر نیز تصمیم می‌گیرند که فرزندان خود را به خارج از کشور بفرستند. اکثریت خانواده‌ها معلومات خود را از کسانی که به دست می‌آورند که خارج رفته‌اند.” (امیر، ۵۰ ساله، مرد، مصاحبه‌های کلیدی معلوماتی - پکتیا).

یکی از خانم‌های مقیم کابل گفت:

“ما از کسانی که خویشاوندان‌شان که در اروپا زندگی می‌کنند (در مورد زندگی در خارج) شنیدیم. آنها همسایگان و دوستان ما هستند. آنها گفتند که وقتی کسی به کشور‌های مذکور می‌رود به سادگی کار پیدا کرده، به راحتی زندگی و آینده خود را ساخته، و همچنان خانواده‌های خود را در افغانستان حمایت مالی می‌کنند.” (حسینی، ۵۰ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه‌های مفصل - کابل)

معلوماتی که اطفال از همسن و سالان خود به دست می‌آورند معلومات بسیار مهم در مورد سفر بدون همراه به خارج از کشور است، به خصوص در مناطقی که اطفال کمتر راهی کشور‌های دیگر می‌گردند، این معلومات مهم است چون اطفال به تنهایی تصمیم خود را گرفته، و یا خانواده‌های خود را بدون دادن هیچ اطلاعی ترک می‌گویند. یکی از افرادی که عضو خانواده‌اش در بامیان راه مهاجرت را برگزید، می‌گوید:

“ما هیچ نوعی معلوماتی در ارتباط به این موضوع نداشتیم؛ او از دوستان خود پرسید و راهی خارج شد. ما هیچ از قضیه خبر نداشتیم.” (مریم، ۴۵ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - بامیان)

معلوماتی که از سوی مردم به افراد خواهان مهاجرت به خارج‌اند، از جمله در ارتباط به خطرهای سفر، داده می‌شود همواره دقیق نیست:

“در عروسی بچه کاکای خود را دیدم که می‌گفت مردم در بریتانیا صاحب درآمد بسیار بالایی‌اند؛ آنها دستمزد‌های بسیار خوبی دارند؛ کار تجارت‌شان بسیار خوب است. او گفت هیچ خطری در راه سفر به آنجا وجود ندارد. بچه کاکایم این معلومات را از دوستان خود به دست آورده بود. من موترم را به ۸۰۰ هزار کلدار پاکستانی فروختم و خانواده‌ام را بدون اطلاع قبلی ترک کردم.” (سید غنی، ۲۵ ساله، مرد، مهاجر اخراج شده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

قاچاقچیان نیز منبع معلومات هستند. یک نفر از ولایت بامیان که برای رفتن به خارج اقدام کرده بود، می‌گوید:

“در کنار بچه‌های کاکای من که در استرالیا زندگی می‌کنند، برخی معلومات خود در مورد سفر به بیرون از کشور را از یک قاچاقچی گرفتم. او اهل بامیان است. او ما را تا پاکستان آورد؛ بعد ما را به قاچاقچیان دیگر در پاکستان معرفی کرد.” (مصطفی، ۱۷ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل - بامیان)

فهم و دیدگاه اعضای خانواده در ارتباط به خطرهای سفر غیر قانونی اطفال به خارج

اعضای خانواده‌های اطفالی که به تنهایی راهی خارج می‌شوند، معمولاً از برخی خطرهای چنین سفری آگاهی دارند. به نظر می‌آید که در مناطق مورد مطالعه به طور قابل قبولی در مورد خطرهای مذکور در میان خانواده‌های فوق اطلاعات وجود دارد. با وجود خطرها، بسیاری‌ها به فرزندان‌شان اجازه مهاجرت غیر قانونی را می‌دهند.

خانواده‌ها از ولایت پکتیا و بامیان به خطراتی چون غرق شدن، دستگیری، مرگ و اعتیاد به موادمخدر در جریان سفر، ربوده شدن، استخدام توسط گروه‌های مسلح و مشکلات ادغام مجدد در صورت اخراج و بازگشت به افغانستان اشاره کردند. برخی از این والدین از پکتیا و بامیان آگاه و یا شامل تصمیم‌گیری فرزندان خود برای ترک کشور نبوده‌اند. برخی از آنها به طور واضح سفر غیر قانونی و بدون همراه فرزندان خود را تایید نمی‌کردند. برخی از آنها در تصمیم‌گیری فرزندان خود شامل بوده و سفرش را تایید می‌کردند.

“بلی، همه از خطرهای چنین سفری آگاهی دارند.” (سکینه، ۲۸ ساله، زن، مصاحبه مفصل، پکتیا)

“با این که از سفرش نمی دانستیم اما می فهمیدم که چنین سفری خطرهای خود را دارد. دوستانم به من در مورد خطرهای سفر به خارج، همچون غرق شدن، زندانی شدن، کشته شدن و اعتیاد به موادمخدر گفته بودند. همچنان گفته بودند که شاید بعد از برگشت به کشور رپوده شوند، به خدمت گروه های مسلح مخالف درآیند، با سنت های جامعه به سختی خو کنند و ادغام مجدد شان در جامعه دشوار باشد.” (فواد، ۴۰ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

“بلی در مورد خطرات این سفر می دانم به خاطر این که به این شکل سفر کردم. می دانم که اگر پولیس سرحدی آنها را ببیند شلیک می کند، و یا قاچاقچیان در صورت مواجهه با پولیس کمکی به ایشان نمی کنند. اما فعلا مجبور هستم که فرزند خود را بفرستم. من خیلی پیر شده ام؛ کار کرده نمی توانم. او باید کار کند و پول بفرستد تا زندگی کنیم و نانی برای خوردن داشته باشیم. وقتی پسر برگردد، او با کدام مشکلی رو به رو نخواهد شد چون ما هنوز هم در نزدیک مرز زندگی می کنیم، او به راحتی به هرات برگشته می تواند.” (علی آقا، ۵۵ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - بامیان).

اعضای خانواده ها در کابل و ننگرهار نیز از خطرهای سفر غیر قانونی صحبت کردند. با وجود این آگاهی، بسیاری خطرهای سفر به سوی غرب را به خاطر منافع بالقوه آن و یا نبود کدام گزینه قابل قبول برای شان، پذیرفته بودند.

“با وجود این که مردم زیادی در مورد خطرها می دانند اما هنوز هم تن به سفر غیر قانونی پر مخاطره داده و از رفتن خود به خارج از کشور خوشحال اند. آنها فکر می کنند که به سوی بهشت پرواز می کنند.” (منبع معلوماتی مطلع، کابل)

“بلی، ما در باره خطرهای سفر فکر کرده و آنرا قبول کرده ایم چون چاره دیگری نداریم. برخی از دوستان فرزند ما که از راه قاچاقی رفتند، به مقصد رسیدند. ما فکر کردیم سلیم نیز به مقصد خود خواهد رسید، و تابعیت آن کشور را به دست خواهد آورد، چون بسیار جوان است. او ۱۷ ساله بود و ما فکر می کردیم که یکسال بعد شهروندی خود را به دست خواهد آورد، به خانه باز خواهد گشت و ازدواج خواهد کرد. اما آن طوری که فکر می کردیم اتفاق نیفتاد. این سفر مملو از خطرهای چون غرق شدن در دریا، گم شدن، مردن در اثر گرسنگی و تشنگی، لت و کوب پولیس است. وقتی او برگشت در باره تمام اتفاقاتی که برایش افتاده بود قصه کرد. ما فکر کردیم که به مقصد خود می رسد، تمام قرض هایش را پس می دهد و ما یک زندگی جدید را آغاز خواهیم کرد. اما چنین نشد و اکنون قرضداری ما زیر فشار قرار داده است.” (صدف، ۲۲ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - ننگرهار)

“بلی، در باره خطرهای سفر فکر کردیم، اما فرزندان ما به خاطر رفتن به خارج خیلی خوشحال بودند. آنها می گفتند، «ما برای تحصیل و پیدا کردن کار می رویم و پس از پایان تحصیل دو باره به کشور به خاطر خدمت بر می گردیم.» آنها خیلی خوشحال بودند.” (صدف، ۴۵ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل)

“البته ما در مورد تمام خطرها فکر کرده بودیم. من همچنان فکر می کردم که اگر توانایی تامین او و بقیه فرزندان خود را می داشتیم، او تا این حد خطر سفر را به جان نمی خرید. اما چاره چیست وقتی پولی برای رفع مایحتاج خود نداریم؟” (ملالی، ۳۸ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - ننگرهار)

برخی از مصاحبه شوندهگان، با توجه به تهدیدهای آنی در افغانستان، پذیرفتن خطرهای سفر قاچاقی را به مراتب ترجیح می دادند. چنانکه یک مادر گفت:

“ما از خطرهای مذکور آگاهی داریم. آنها شاید دستگیر شده و از سوی پولیس لت و کوب شوند، و البته در سفر خود با خطرهای مواجهه خواهند شد. ما مجبور به فرستادنش بودیم و مخاطرات احتمالی را پذیرفته بودیم. کوچی ها خانه ما را به آتش کشیدند و اکنون نه چیزی در اختیار داریم نه سر پناهی برای زندگی. به خاطر مجبوریت های خود او را به ایران فرستادیم.” (ف ۱، ۴۵ ساله، عضو فامیل، مصاحبه مفصل - کابل)

وضعیت این خانواده ها در افغانستان تان آن حد وخیم بود که وقتی فرزندان شان از کشور مقصد اخراج شده و به افغانستان برگشتند، والدین شان در حال جمع آوری پول برای فرستادن مجدد شان به بیرون از کشور بودند. با وجود آگاهی از خطرهای سفر غیر قانونی به خارج، تهدیدات امنیتی در کشور آنها را متقاعد به سفر مجدد کرده بود.

“آنها چند روزی نزد ما بودند، و بعد پدر شان به دنبال قاچاق چی افتاد تا فرزندان اش را به ایران ببرد. دو پسریم که رفتن مجدد به ایران را گرفتند. پدر نیز با رفتن شان موافق بود و هر دوی آنها به ایران رفتند.” (ف ۱، ۴۵ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - کابل)

برخی از خانواده هایی که فرزندان در بیرون از کشور دارند، اذعان داشتند که اطلاعات کافی در زمان تصمیم گیری در مورد خطرهای سفر قاچاقی در اختیار نداشتند:

“ما در مورد خطرهای فزاینده‌ی بیماری، غرق شدن و مردن از گرسنگی فکر کرده بودیم اما در مورد خطرهای روانی، اجتماعی و عاطفی چیزی نمی‌دانستیم. البته، در جریان سفر خطر وجود دارد. ما به این فکر بودیم که وقتی نوجوان ما به کشور مقصد برسد دیگر تهدیدی متوجه اش نخواهد بود. ما در مورد اخراج اش از کشور مقصد فکر نکرده بودیم.” (حسینی، ۲۶ ساله، مرد، مصاحبه مفصل-کابل)

آگاهی و نظرات اطفال در ارتباط به خطرهای سفر قاچاقی

در ارتباط به آگاهی و دیدگاه اطفال در مورد خطرهای سفر قاچاقی باید گفت که در مورد مصاحبه شونده‌گان دو تصویر را می‌توان ترسیم کرد. یکی، برخی از اطفال مذکور معلوماتی در باره خطرهای سفر قاچاقی داشتند؛ در حالی که برخی دیگر اطلاعات بسیار کمی در این مورد در اختیار داشتند. برخی از این اطفال راهی سفر فکر می‌کردند که در جریان سفر خطری متوجه آنها نخواهد شد؛ در حالی که برخی دیگر از خطرها آگاهی داشتند ولی با این حال رفتن را بر ماندن ترجیح می‌دادند.

یکی از اطفال از ولایت بامیان نظر خود را در مورد آگاهی از خطرهای قبل از راه افتادن به سوی کشور خارجی چنین گفت:

“بله، می‌دانستم. دستگیری توسط پولیس اولین خطری بود که در مورد آن فکر کرده بودم برخی اوقات اطفال از سوی قاچاقچیان در صورت مواجهه با مشکلی کشته شده‌اند. از لحاظ فکری با وجود چنین مسایلی احساس راحتی نمی‌کردم. به این فکر می‌کردم که آیا پس از رسیدن به کشور مقصد به من کار خواهند داد؟ آیا با مردم به خاطر نفهمیدن زبان شان دچار مشکل خواهم شد؟ از این که از خانواده ام بسیار دور بودم احساس اندوه می‌کردم. در مورد بازگشت فکر نکرده بودم.” (احمدی، ۱۸ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل-بامیان)

“در زمره مشکلات و سختی سفر می‌توان از دستگیری توسط پولیس ایران، افتادن از کوه، لت و کوب شدن از سوی پولیس ایران و از همه خطرناک تر هدف قرار گرفتن از سوی مرزبانان یاد کرد. البته خطرها به این جا حتم نمی‌شود. وقتی نوجوان افغان به خاک ایران می‌رسد با بدرقتاری ایرانی‌ها مواجه می‌شود، احتمال دارد که از سوی پولیس دستگیر شود و البته احتمال دارد کاری هم برای نوجوان مذکور پیدا نشود. پس از دستگیری از سوی پولیس ایران رد مرز شدم و البته خطری متوجه ام در خاک افغانستان نبود. رفتن من به ایران بیشتر به خاطر نبود کار در افغانستان بود. به همین خاطر به فکر رفتن به آن کشور شدم تا از خانواده ام حمایت مالی کرده بتوانم. از این رو خطر سفر به ایران را به جان خریدم.” (گل دین، ۱۹ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل-بامیان)

همانند نوجوان قبلی، بسیاری از اطفالی که از بامیان راهی کشور دیگر شدند، می‌دانستند که در سفر قاچاقی خطرهای است اما در مقایسه با تهدیدات موجود در افغانستان پذیرفتن خطرهای سفر غیر قانونی برای آنها ارزشش را داشت. همان طوری که قبلا در باره بامیان در بالا ذکر شد، این ولایت از جمله ولایت‌های مصوون افغانستان به حساب می‌آید.

“بله، رفتن به بیرون از کشور تصمیم خودم بود و از خطرهای سفر قاچاقی نیز کاملاً آگاه بودم. با خود فکر می‌کردم که اگر به این سفر بروم یکبار با خطر مواجه خواهم شد در حالی که در افغانستان هر روز با خطر رو به رو هستم. یکی از دوستانم به فرانسه رفت، و اکنون در آنجا زنده گی کرده و دارای زندگی خوبی است. در مورد تلف شدن در جریان سفر فکر می‌کردم ولی به هیچ صورت نمی‌خواستم که به بازگشت به کشور ببندیشم و پولی را که مصرف کرده ام به هدر دهم.” (مصطفی، ۱۷ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل-بامیان)

“اکثراً کلان خانواده تصمیم‌ها را می‌گیرد. اما برادرم بی توجه به همه چیز شخصا تصمیم گرفت که به اروپا برود. ما نمی‌دانستیم که قصد رفتن به آنجا را دارد. ما می‌دانستیم که مردن در راه سفر به استرالیا را بر ماندن در اینجا ترجیح می‌داد. خطرهای که در مسیر بامیان تا کابل وجود دارد بیشتر از خطرهای مسیر افغانستان تا استرالیا است.” (علی آقا، ۳۷ ساله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل-بامیان)

برخی اطفال از ولایت کابل متذکر شدند که اطلاعات کمی در مورد خطرات مذکور قبل از سفر داشتند.

“نه هیچ اطلاعاتی در این مورد نداشتم. من سن بسیار کمی داشتم اما برادرم برخی از معلومات را از طریق دوستان خود که در ترکیه زندگی می‌کردند، به دست آورده بود. در آنجا کار و زندگی آرام مساعد است. ما در آنجا زندگی خوبی داشته می‌توانیم.” (جاوید وزیری، ۱۳ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل-کابل)

سایر اطفالی که در این تحقیق گفتگو با آن‌ها صورت گرفته، برخی اطلاعات در مورد خطرهای سفر داشتند اما درک عمیقی از مشکلات نداشتند و یا فکر می‌کردند که ارزش فکر کردن را ندارد.

“بله، از خطرهای سفر آگاه بودم و مشکلات را از دهان افراد زیادی شنیده بودم. اما زیاد به این خطرها اهمیت ندادم. چون خیلی جوان بودم و عقلم به این گپ‌ها نمی‌رسید.” (علی احمد، ۲۲ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل-کابل)

”من به ایران با پدرم رفتم و در مورد خطرهای سفر فکر نمی کردم. پس از آن، به ترکیه رفتم و بازهم در مورد خطرهای سفر فکر نمی کردم و خود را آماده هر خطری ساخته بود. برای من گفته شده بود که هر چه تقدیر است باید آن را پذیرفت.“
(ف ۱، ۱۸ ساله، مرد، نوجوان پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل-کابل)

دیدگاه ها در مورد اقدام برای سفر مجدد

در ولایت های کابل و ننگرهار، اکثریت اطفالی که از طریق سفر قاچاقی به مقصد نرسیده بودند، بیان داشتند که پس از ذخیره و تامین پول لازم برای سفر مجدد اقدام خواهند کرد. در مقابل در ولایت های بامیان و پکتیا نه خود اطفال و نه خانواده های شان مایل بودند که برای بار دیگر جهت رفتن به خارج از کشور اقدام کنند.

در جریان این تحقیق، تنها یک قضیه به مشاهده رسید که یک نوجوان برای بار دوم به صورت فردی راهی سفر شد. یک زن از ولایت کابل در مصاحبه اش گفت که وقتی دو پسرش در بار اول به ایران رفته نتوانستند پس از دو هفته دوباره راهی آن کشور شدند. این اقدام از روی ناچاری به این دلیل از سوی خانواده گرفته شد که زندگی آنها در قریه شان با تهدیدها و حملات خشونت بار مواجه بود؛ خانه شان به آتش شده و بسیاری از همسایگان شان نیز کشته شدند. زمانی که پسران خانواده مذکور به ایران رفتند دستگیر و اخراج شدند. بار دوم توانستند که داخل ایران شده و اکنون در آنجا کار می کنند.

زن مذکور گفت:

”آنها به صورت مخفیانه کار می کنند. آنها اجازه بیرون رفتن را ندارند چون پولیس پس از دستگیری از کشور اخراج شان خواهد کرد. به عنوان یک مادر از این که فرزندانم زندگی آزادانه و فارغ از ترس ندارند، غمگین هستم.“ (ف ۱، ۴۵ ساله، عضو خانواده، مصاحبه مفصل- بامیان)

با وجود این، زن نامبرده خاطر نشان ساخت که از فرستادن فرزندانش به ایران پشیمان نیست:

”بله، اگر اخراج شوند دوباره به آنجا روان شان می کنیم. ما باید پول لازم را به دست آورده و به یکی از کشورهای خارجی بفرستیم شان.“ (ف ۱، ۴۵ ساله، عضو خانواده، مصاحبه مفصل- بامیان)

انتخاب کشور مقصد

از آن جایی که تصمیم برای رفتن به خارج از کشور یک تصمیم جمعی است، چندین عامل در انتخاب کشور مقصد دخیل است. نخستین ملاحظه در این ارتباط در نظر گرفتن چانس بالای قبولی پناهنده در کشور میزبان است که معلومات در این ارتباط معمولاً از طریق همسایگان، دوستان و افراد آشنا به دست می آید. سایر عواملی که در انتخاب کشور مقصد نقش داشته، عبارت اند از: الف) ارزش ارز آن نسبت به پول افغانی بالاتر باشد؛ ب) در آنجا فرصت های کاری و دستمزد بیشتر باشد؛ و پ) فرصت های درس خواندن مساعد باشد.

”پسرم می خواست که به سویدن برود چون از مردم، همسایگان و دوستان شنیده بود که درخواست های پناهندگی افراد زیر سن را قبول می کند.“ (حسینی، ۵۰ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل- کابل)

آنها می خواستند که به بلجیم بروند چون دوستانشان گفتند که در آن کشور گرفتن تابعیت ساده است. همچنان کار و درآمد مناسب به سادگی به دست می آید.“ (صدف، ۴۵ ساله، مصاحبه مفصل- ننگرهار)

”می خواستم که استرالیا بروم چون مردم گفتند که در آنجا فرصت های کاری و تحصیلی وجود دارد.“ (محمد علی، ۱۶ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل- کابل)

به صورت کلی کشورهای اروپایی مقصد دلخواه برای پناهندگان نوجوان است. برای اطفال کابل و ننگرهار، مقصد نهایی کشورهای اروپایی چون سویدن، بلجیم، اتریش، سوئیس و بریتانیا بود. از ولایت های کابل و بامیان چندین نفر هم سفر به ایران و ترکیه را انتخاب کردند. بر علاوه، تعدادی از پاسخ دهندگان از بامیان به کشورهای کانادا، آلمان و استرالیا نیز اشاره داشتند. پاسخ دهندگانی از ولایت پکتیا از امارات متحده عربی، بلجیم و بریتانیا نیز به عنوان کشورهای دلخواه جهت زندگی یاد کردند.

تنها برای تعداد کمی از پاسخ دهندگان کشور مورد نظر شان معلوم نبود. یکی از آنها از ولایت کابل که پسرش پس از رسیدن به ترکیه دستگیر شده بود، گفت:

“ما نه انتخابی داشتیم و نه به کدام کشور به عنوان مقصد مهاجرت فکر کرده بودیم. ما فقط می‌خواستیم که فرزند ما افغانستان را ترک بگوید.” (هیوال، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - کابل)

یکی از خانواده‌های دیگر که فرزندشان از طریق قاچاق خود را به بریتانیا رسانده بود، گفت:

“هیچ کشوری را در ذهن نداشتیم. پسر من نیز کدام کشور خاصی برای رفتن در ذهن نداشت. او می‌گفت که هر جای که پیش آمد خوش آمد. اگر پولیس او را دستگیر نکرد همان جا را به عنوان مقصد انتخاب می‌کند.” (ملالی، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - ننگرهار)

آن عده از اطفالی که ایران و ترکیه را برای رفتن انتخاب کردند مهمترین دلیل نداشتن پول کافی بود. آنها به کشور های فوق رفته تا پس از کار و کسب درآمد در نهایت به کشورهای اروپایی به عنوان مقصد نهایی خود بروند. یکی از خانواده‌ها گفت:

“ما تصمیمی برای انتخاب یک کشور مشخص برای مهاجرت در نظر نداشتیم. تنها گزینه ما ایران بود. رفتن به کشورهای دیگر مستلزم پول زیادی است در حالی که برای رفتن به ایران و پاکستان چنین نیست. با کمترین پول هم به کشورهای مذکور رفته می‌توانید. (ف ۱، زن، ۴۵ ساله، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - کابل)

این موضوع توسط اظهارات یک نوجوان دیگر از همین ولایت که در رفتن به کشورهای دیگر ناکام ماند، تصدیق شد:

“زمانی که در ایران کار می‌کردم تصمیم گرفتم که به ترکیه رفته و اگر در آنجا کاری برای خود پیدا کنم بعد برای رفتن به اروپا برنامه ریزی خواهم کرد؛ تنها یک کشور در ذهنم بود: سوئد. دو دلیل به اروپا رفته نتوانستم. اول پول زیادی برای رفتن به آنجا نداشتیم و از این خاطر باید در ترکیه می‌ماندم و کار می‌کردم. دوم، پولیس ترکیه ما را دستگیر و به افغانستان اخراج کرد.” (باسط وزیری، ۲۲ ساله، مرد، مهاجر اخراج شده، مصاحبه مفصل - کابل)

انتخاب ایران به عنوان یک کشور مقصد و یا معبری برای رفتن به کشورهای دیگر بیشتر به خاطر حضور وابستگان فرد پناهنده است.

“پس از بیکاری چند ماهه در افغانستان، وصحبت با بچه‌های کاکایم در ایران، پدرم گفت که به ایران بروم. او با بچه‌های کاکایم حرف زد و آنها با آمدن من به نزدشان موافقت کردند.” (گل دین، ۱۹ ساله، مهاجر اخراج شده، مصاحبه مفصل - کابل)

“انتخاب دیگری جز برای رفتن به ایران نداشتیم. پول کافی برای رفتن به سایر کشورها در اختیارم نبود. علاوه بر آن، خواهرم در ایران زندگی می‌کرد و به من وعده حمایت داده بود. از این رو، انتخاب دیگری جز رفتن به ایران را نداشتیم.” (علی احمد، ۲۲ ساله، مرد، مهاجر اخراج شده، مصاحبه مفصل - بامیان)

فراهم سازی پول سفر به خارج از کشور اطفالی که با حمایت مالی خانواده سفر می‌کنند

زمانی که خانواده‌ها اطفال خود را به صورت انفرادی به خارج از افغانستان می‌فرستند، از وسایل گوناگون برای تامین پول سفر استفاده می‌کنند. برخی از خانواده‌ها از پول ذخیره خود استفاده کرده و برخی دیگر پول مورد نظر را از افراد متنفذ و یا خویشانندان و دوستان خود در منطقه و یا خارج از کشور قرض می‌گیرند. همچنان برخی دیگر به این منظور جایزاد های خود را به گرو و یا به فروش می‌رسانند. برخی دیگر از تمام این منابع برای فرستادن اطفال خود به بیرون از کشور بهره می‌برند.

یک نفر از ولایت کابل که قادر به رفتن به خارج از کشور نشد، گفت:

“ما خانه خود را به گرو گذاشتیم تا پول سفرم مهیا شود. ما تا هنوز قرض های خود را داده نتوانستیم.” (مرتضی علیزاده، ۱۸ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - کابل)

یکی دیگر نیز از ولایت کابل گفت:

“اکثر مردم از خویشاوندان خود که در ایران و پاکستان زندگی می‌کنند، پول قرض می‌گیرند. این پول را بدون کدام چشمداشتی و به خاطر کمک به خویشاوند خود به قرض می‌دهند. زمانی که نوجوان مذکور به مقصد خود رسید، کار کرده و پول قرض را پس می‌دهد.” (علوی، ۲۵ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی کلیدی - کابل)

در برخی از موارد، خانواده‌ها ریسک کلان مالی را به عهده می‌گیرند. مثلاً، جایزاد های خود را می‌فروشند و یا دست به دامن قرض دهندگانی می‌شوند که در بدل وام سود بالا و یا مزدوری تقاضا می‌کنند.

“آنها زمین خود را می فروشند یا از وابستگان خود وامی با سود بالا به دست می آورند. برخی از افراد برای بازپرداخت قرض های خود تن به مزدوری با دستمزد خیلی ناچیز برای قرض دهنده می دهند و یا زمانی که فرزندشان به کشور مقصد رسید از آنجا به خانواده خود برای پرداخت قرض ها پول می فرستند.” (امیر، ۵۰ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی کلیدی-پکتیا)

“برای اولین بار، ما از مردم قرض گرفتیم. پول را از مردی که در قریه ما زندگی می کرد گرفتیم. او اکنون در ایران زندگی می کند. زمانی که فرزند ما به ایران رسید بازم از همان مرد قرض گرفت، و با آن پول به سویس رسید. مرد مذکور وقتی به افغانستان آمد قرض خود را طلب کرد. او تمام زمین های ما را گرفت و منتظر فرزند ما نشد که برایش از سویس پیسه روان کند.” (صابره، ۴۷ ساله، زن، عضو خانواده، مصاحبه مفصل-کابل)

در بدترین حالت، یکی از پاسخ دهندگان از ولایت ننگرهار گفت که برخی از خانواده ها به عنوان چاره آخر دختران خود را با پول معاوضه می کنند.

“زمانی که هیچ چیزی برای فروش و یا پولی در ذخیره نداشته باشند، دختر خود را با پول معاوضه کرده و با آن پسر خود را به کشور های خارجی می فرستند.” (خیریه، ۲۳ ساله، زن، مصاحبه معلوماتی کلیدی-ننگرهار)

با این که این پاسخ به صورت مشابه از سوی مصاحبه شوندگان در این تحقیق داده نشد اما دو رسم برای معاوضه دختران وجود دارد. یکی همان بد دادن است که “دختر و یا زن در یک خانواده به عنوان عروس جهت حل و فصل یک دعوای خونی و یا قرض غیر قابل پرداخت به طرف مقابل داده می شود.”^{۵۱} رسم دیگر عبارت است از پوره (pore) که مرد قرض خود را از طریق دادن دختر به عنوان عروس به فرد قرض دهنده پرداخت می کند.^{۵۲} در سال ۲۰۱۳ میلادی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان چندین قضیه بد دادن، ازدواج اجباری و معاوضه زنان را ثبت کرد.^{۵۳} این رفتار معمولاً “عادی و معمول” توصیف شده و رواج عام دارد.^{۵۴}

اطفالی که بدون حمایت خانواده به خارج سفر می کنند

اطفالی که از ولایت های بامیان و پکتیا بدون اجازه و آگاهی خانواده راهی کشور های دیگر شده اند، برای تامین مخارج سفر خود موجودی خانه را دزدی کرده اند و یا امکانات و جایداد های مربوط به خانواده را به فروش رسانده اند.

“۲۰۰۰ دالر داشتیم و ۷ هزار دالر دیگر از خانه دزدیدیم.” (مصطفی، ۱۷ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل-بامیان)

“موتر تویوتا پیکپ برادر بزرگترم را فروخته و پولش را به قاچاق چی دادم. او وعده کرده بود مرا به ایران و از آنجا از طریق هوایی به ترکیه می برد. اما قاچاق چی مرا فریب داد.” (سید غنی، ۲۵ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل-پکتیا)

زمانی هم که پول شان تمام می شود، به کار در همان کشور که خود را رسانده اند، مشغول می شوند و برای سال ها در همان جا به خاطر تامین پول قاچاق چی باقی می مانند.

“اگر نوجوانی قصد رفتن به خارج از کشور و فرار از خانه کند، پول را از خانه دزدی کرده، و پایش به هر کشوری رسید کار می کند تا بالاخره به کشور مقصودش برسد.” (حاجی رمضان، ۴۵ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی-بامیان)

حتا اگر این اطفال پول کافی نیز نداشته باشند بازم قاچاق چیان حاضر می شوند که آنها را به کشور مقصد، مثلاً ایران، رسانده و بعد به دنبال گرفتن بقیه پول خود از خویشاوندان آنها می شوند.

“در گام اول قاچاق چیان آنان را بدون گرفتن پول به ایران برده و زمانی که فرد مورد نظر را به ایران رسانند، به وابستگانش زنگ زده و طالب پول خود می شوند. اگر بستگان نوجوان قادر به پرداخت به موقع پول نشوند، قاچاق چیان نوجوان را مجبور به فروش اعضای بدنش می کنند. اگر بستگان نوجوان پول را پرداخت کردند بعد او با یافتن کار و کسب در آمد پول مذکور را به آنها پرداخت می کند.” (الف، ۶۰ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی-بامیان)

در تمام چهار ولایت مذکور، خانواده هایی که خویشاوندان شان در بیرون از کشور زندگی می کنند، بیان داشتند که از آنها با وجود داشتن تماس از طریق مکاتبه، ایمیل و یا تلفون، کمک مالی درخواست نکردند. از خویشاوندان خود تنها معلومات در مورد زندگی و کار و بار شان خواستند.

۵۱ گیش و دیگران، توانمندسازی اقتصادی زنان در افغانستان، ۲۰۰۲-۲۰۱۲ میلادی، کابل، AREU، ۲۰۱۳ میلادی.

۵۲ ایرنه اشنايدر، “تحولات اخیر در قانون خانواده در افغانستان: جنبه های تحقیقی”، ASIEN، ۱۰۴، جولای ۲۰۰۷، ص ۱۱۲

۵۳ کمیسیون حقوق بشر افغانستان، خسونت علیه نان در افغانستان: عوامل، ریشه ها و وضعیت، کابل: کمیسیون حقوق بشر، ۲۰۱۳ میلادی http://www.aihrc.org.af/media/files/Research%20Reports/Dari/Report%20on%20Violence%20against%20Women%201390%20_English-%20for%20hasa.pdf

۵۴ منبع پیشین، ص ۲۱. همچنان دیده شود به دیده بان حقوق بشر، “افغانستان: بد دادن زنان را متوقف کنید” ۸ مارچ ۲۰۱۱ میلادی، <http://www.hrw.org/news/2011/03/08/afghanistan-stop-women-being-given-compensation>

د. شبکه‌های قاچاق

برخی اطلاعات در مورد شبکه‌های قاچاق در جریان مصاحبه با افراد به دست آمد ولی با توجه به حساسیت موضوع، معلومات محدود بود.

“قاچاقچیان هزاره و از همین ولایت اند. آنها با بچه‌های که خواهان سفر به بیرون از کشور اند، ارتباط برقرار می‌کنند اما برای سایر مردم شناخته شده نیستند. آنها به صورت پنهانی کار و زندگی کرده تا کسی متوجه فعالیت‌های‌شان نشود.” (عظیم، ۶۰ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی کلیدی، عضو اجتماع-بامیان)

“در ننگرهار، قاچاقچیان معمولاً پشتون هستند. در کابل، تاجک و هزاره هستند. گروه قاچاق چیان در هر ولایت مختلف هستند اما با یک دیگر ارتباط دارند.” (کاظمی، ۶۳ ساله، مصاحبه کلیدی معلوماتی، عضو اجتماع-نگرهار)

“هر گروه قومی دارای قاچاق چیان متعلق به خود است. نمی‌دانم که کدام قوم بیشترین قاچاق چیان را دارد.” (زرمین، ۲۳ ساله، زن، مصاحبه معلوماتی کلیدی، عضو اجتماع)

در کابل مردم به ماهیت خیلی سازمان یافته‌شبه‌شبکه‌های قاچاق اشاره کردند.

“قاچاق چیان و واسطه‌های‌شان با یک دیگر در ارتباط بوده و به طور ماهانه جلسه برگزار می‌کنند.” (محمدی، ۶۱ ساله، مرد، مصاحبه کلیدی معلوماتی-کابل)

“واسطه‌ها در بین مردم زندگی می‌کنند. آنها از خود دفتر و دیوان داشته اما به صورت منطقه‌ای کار می‌کنند. مثلاً، یک قاچاق چیان یک نوجوان را تا ایران و یا پاکستان برده و تسلیم یک قاچاق چید دیگر می‌کند تا او را به مقصد دیگر ببرد.” (علوی، ۲۵ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی کلیدی، کابل)

این ادعاها از سوی افرادی که سفرشان به خارج کشور به نتیجه‌ای نرسید، مورد تأیید قرار گرفت.

“او [اشاره به قاچاق چیان] از بامیان است. او ما را تا پاکستان برد و بعد به افراد دیگری در پاکستان معرفی‌مان کرد که آنها هم قاچاق چیان بودند.” (مصطفی، ۱۷ ساله، مرد، مصاحبه مفصل-بامیان)

زمانی که پرسیده شد که چه کسی از قاچاق مردم نفع می‌برد، اکثریت پاسخ دهندگان باور داشتند که قاچاق چیان بیشترین فایده را به دست می‌آورند.

“روشن است که قاچاقچیان بیشتر از هر کسی فایده می‌برند چون آنها پول را دریافت می‌دارند چه نوجوان به مقصد برسد و یا نرسد پول خود را از او می‌گیرند.” (سکینه، ۲۸ ساله، زن، مصاحبه معلوماتی کلیدی-بامیان)

“قاچاقچیان نفع خود را به دست می‌آورند، حتا اگر فرد از کشور مقصد اخراج شود، بازهم آنها نفع خود را به دست می‌آورند.” (خیریه، ۲۳ ساله، زن، مصاحبه معلوماتی کلیدی-نگرهار)

“کسانی که بیشترین نفع را می‌برند قاچاقچیان هستند. اگر نوجوان به کشور مقصد خود برسد و قبول شود در آن صورت خانواده نوجوان نفع می‌برد. به هر حال قاچاق چیان بیشتر از هر کسی نفع می‌برند.” (زرمین، زن، مصاحبه معلوماتی کلیدی، پکتیا)

برخی از پاسخ دهندگان در این تحقیق خاطر نشان ساختند که هم قاچاق چیان، هم کشور میزبان و هم خانواده‌های اطفال از موضوع نفع می‌برند.

“همه نفع می‌برند قاچاق چیان، کشور‌های میزبان‌ه خاطری که اطفال با دستمزد پایین کار می‌کنند. همچنان، خانواده‌های اطفال پناهنده نیز نفع می‌برند چون به خانواده‌های خود پول روان می‌کنند.” (علوی، ۲۵ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی کلیدی-کابل)

“در قدم اول، کشور‌های میزبان نفع می‌برند چون برای کار و ساختن خود از نیروی جوان پناهنده استفاده می‌کنند. بعد قاچاقچیان نفع می‌برند چون از اطفال ۲۰ هزار دالر می‌گیرند. در نهایت، خانواده‌ها نفع می‌برند، چون فرزندان‌شان در خارج کار کرده و برای‌شان پول می‌فرستند.” (کاظمی، ۶۳ ساله، مرد، مصاحبه معلوماتی کلیدی-نگرهار)

۵. در باره سفر

نقشه نقاط حرکت



- از کابل، اطفال مسیر غزنی و کندهار را پیموده پس از خروج از تهران به سوی زاهدان، کرمان، شیراز و اسفهان می روند.
- از بامیان، اطفال به کابل، کندهار و نیمروز رفته، با عبور از مرز به ایران می روند.
- اطفال از پکتیا، به هرات و بعد به ایران می روند.
- اطفال از کندهار به کابل و بعد به ایران می روند. پس از گذر از ارومیه، ولایت مرزی ایران با ترکیه، به استانبول می روند.
- از ننگرهار از طریق منطقه مرزی تورخم به پاکستان می روند.

مسیر های سفر

اکثریت مصاحبه شوندهگان مطلع کلیدی از چهار ولایت مذکور بیان داشتند که با مسیر های سفر جهت رسیدن به مقصد نهایی آشنایی دارند.

اکثریت شان برای رسیدن به اروپا و یا استرالیا از طریق ایران عبور کردند. یکی از مصاحبه شوندهگان از کابل به غزنی و از آنجا به ولایت های کندهار، نیمروز، زاهدان، کرمان، شیراز، اصفهان، و بعد تهران سفر کرد. او می خواست که به اروپا برود، اما از سوی مقامات ایرانی دستگیر و به افغانستان برگردانده شد.

آنانی که از ولایت بامیان اند و می خواهند از طریق ایران به اروپا و استرالیا بروند، همین مسیر فوق را در پیش می گیرند. یکی از مصاحبه شوندهگان گفت:

”می دانستم که سفرم از کجا آغاز می شود. نخست از بامیان به کابل رفتم، از کابل به قندهار و از قندهار به نیمروز، بعد از نیمروز به هرات و اسلام قلع و از آنجا مرز افغانستان و ایران را عبور کردیم.“ (گل دین، ۱۹ ساله، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - بامیان)

یکی از پاسخ دهندگان که قصد رفتن به استرالیا را داشت و توسط مقامات ایرانی دستگیر شد، گفت:

”اول از کابل به هرات و از آنجا به نیمروز و ایران رفتیم. از ایران می خواستیم به استرالیا برویم اما نقطه حرکت از ایران را نمی دانستیم.“ (احمدی، ۱۸ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - بامیان)

یکی دیگر از مصاحبه شوندهگان که هنگام رسیدن به اندونزی دستگیر شد، مسیر پاکستان الی استرالیا را انتخاب کرده بود. وقتی از او پرسیده شد که آیا نقطه آغاز مسیر سفر به استرالیا را از قبل می دانست، گفت:

”بله، می دانستم: کابل، پاکستان، اندونزی، و در نهایت استرالیا.“ (مصطفی، ۱۷ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل - بامیان)

آنانی که از ولایت پکتیا قصد سفر به بریتانیا را داشتند، از هرات به ایران و از ایران به تاجکستان، بعد به ترکیه، مصر و یا بلغاریا رفتند. از تمام این نقاط حرکت، اطفال به سوی یونان برده شده و بعد روانه بریتانیا شدند. یکی از مصاحبه شوندهگان از ولایت پکتیا که می خواست به بریتانیا برود، مسیر رفت را چنین شرح داد:

”از ننگرهار به کابل و از آنجا به ایران رفتم، از ارومیه، ولایت هم مرز ایران با ترکیه، به استانبول و یونان، از آنجا به فرانسه و از فرانسه به لندن می رویم.“ (خان، ۲۲ ساله، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

مصاحبه شوندهگان از ولایت ننگرهار گفتند که به منظور رسیدن به فرانسه باید به کابل رفته و از آنجا به ایران و یا پاکستان توسط طیاره باید سفر کرد. پس از رسیدن به این کشور، با موتور به ترکیه رفته، بعد به یونان و فرانسه و بریتانیا می روند.

یکی دیگر از پاسخ دهندگان که قصد رفتن به بریتانیا را داشت ولی در ترکیه دستگیر شده، گفت:

”نقاط حرکت را می دانستم: گردیز به کابل، به نیمروز، به ایران و به ترکیه.“ (سید غنی، ۲۵ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

تجارب عبور از کشورهای مسیر حرکت

اکثریت اطفالی که در رفتن خود به کشور مقصد ناکام ماندند، از ایران و ترکیه عبور کرده و در مسیر خود به استرالیا و اروپا دستگیر شدند. تعداد کمی از آنها به مرز های آلمان و یا اندونزی رسیدند.

اطفال پناهنده در جریان عبور از مناطق مراقب پولیس بودند تا به خاطر نداشتن اسناد و سفر غیر قانونی دستگیر نشوند. یکی از اطفالی که به صورت قاچاقی از بامیان به پاکستان به منظور رسیدن به استرالیا سفر کرد، می گوید:

”در جریان اقامت در پاکستان با برخی از مشکلات رو به رو شدم. غذای درستی نداشتیم و خیلی دیر فرصت شستن خود را می یافتیم. ما باید تمام وقت در یک اتاق می بودیم، چون اجازه بیرون رفتن از آن را نداشتیم. قاچاقچیان می گفتند که اگر از اتاق بیرون شویم پولیس دستگیر مان می کند. در زمان بازگشت با کدام مشکلی رو به رو نشدم. پولیس اندونزی برای سه روز در میدان هوایی نگه مان داشت و بعد توسط یک پرواز به پاکستان دو باره روان مان کرد. از پاکستان مستقیماً به افغانستان آمدم.“ (مصطفی، ۱۷ ساله، مرد، مصاحبه مفصل - بامیان)

در مواقعی که اطفال پناهجو در کشور های مسیر سفر دارای اقامت طولانی تری اند با سایر اطفال در آنجا آشنا شده که احتمالاً در آن کشور کار کرده و برای سفر بعدی خود پولی پس انداز می کنند. در کنار پیدا کردن کار، باید اطفال مذکور با زبان کشور و موانع فرهنگی نیز آشنا شوند تا ماحول خود در یک شهر غریب را درک کرده و با مردم ارتباط برقرار کرده بتوانند.

میزان اقامت در کشورهای مسیر سفر مختلف است. پیدا کردن پول لازم جهت سفر به مقصد بعدی مهمترین عامل طولانی شدن اقامت اطفال پناهجو در کشورهای مختلف در مسیر سفر است. آنها چاره ای جز توقف در ایران و سایر کشورهای مسیر راه جهت کار کردن و پس انداز و فرستادن پول به خانواده های شان ندارند.

”ما به مدت یکسال در ایران ماندیم چون باید کار کرده و پول سفر به مقصد بعدی را پیدا می کردیم. پس از یکسال توانستیم که به ترکیه برویم.“ (باسط وزیر، ۲۲ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - کابل)

”ما نه روز در ترکیه و سه ماه در یونان بسر بردیم. هیچ پولی نداشتیم و منتظر برادر خود بودیم که برای ما پول بفرستد. بعد به سفر خود ادامه دادیم.“ (غلام، ۱۸ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - ننگرهار)

”در مورد دیگر مناطق نمی دانم اما تا جایی که آگاهی دارم پسر برای ۸ ماه در یونان ماند. نیاز به کار داشت چون پولی در بساط اش نمانده بود. زمانی که پول لازم را پیدا کرد به ایتالیا رفت.“ (عبدالله، مرد، عضو خانواده، مصاحبه مفصل - پکتیا)

آنانی که در کشورهای مسیر سفر برای کار و کسب پس انداز باقی می ماندند در معرض خطر دستگیری و اخراج به خاطر نداشتن اسناد اقامت قرار دارند. چنانکه یکی از این اطفال که به زور از ایران اخراج شده می گوید:

”در آنجا به عنوان یک کارگر بنایی در یک خانه ای کار می کردم. پولیس مرا دید و پاسپورتم را خواست. من پاسپورت نداشتیم از این خاطر پولیس مرا دستگیر و به افغانستان اخراج کردند.“ (احمدی، ۱۸ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - بامیان)

خطرهای سفر

مصاحبه شوندهگان به ذکر یک سلسله خطرهای فزاینده و روحی که اطفال پناهجوی افغان در جریان سفر قاچاقی خود با آن مواجه شدند، پرداختند. خطرهای فزاینده شامل سفر با وسایل خطرناک ترانسپورتی، کمبود آب و نان، لت و کوب از سوی قاچاقچیان و یا حتا افسران پولیس در مرز کشورهای مختلف می شود. برخی هم شاهد رویدادهای ترازیکایی چون غرق شدن یک نوجوان پناهجوی در جریان سفر و سایر حوادث غم انگیز دیگر بودند.

”پولیس ترکیه ما را تعقیب و شلیک کرد. اکثر دوستانم زخمی شده و بسیاری هم کشته شدند اما برخی از ما فرار کردیم. ما تشنه و گرسنه بودیم. وقتی در ترکیه بودیم پولیس دستگیر و به ایران اخراج مان کرد. پولیس ایران به لت و کوب ما پرداخته و آب و غذا نیز ندادند.“ (محمد علی، ۱۶ ساله، مرد، نوجوان، مصاحبه مفصل - کابل)

”ما در یک صندوق کلان مخفی بودیم اما در مرز آلمان از سوی پولیس شناخته شدیم. وقتی به درون صندوق چراغ انداختند، ما را دیده و شروع به لت و کوب کردند. مابایل های ما را گرفته و به مراکز اخراج پناهجویان برده و از آن جا به افغانستان روان فرستادند.“ (غلام، ۱۸ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - ننگرهار)

”زمانی که برای رفتن به خارج از کشور تصمیم گرفتیم در ذهن خود خطرهای چون غرق شدن و کشته شدن در مسیر سفر را مجسم کرده بودم اما فراتر از آن مشکلات دیگری نیز دیدم. یکی از قاچاقچیان مرا زد و دستم را شکست. بسیار درد آور بود. ما مسیر طولانی ای از میان صحراها و کوه ها را پیمودیم. قاچاقچیان ما را در موتر انتقال یخ جای داده که در نتیجه یکی از همراهان ما جان خود را از دست داد. من بیهوش شده بودم و برای ۱۵ روز چیزی را به یاد نمی آوردم. در مرز ترکیه دوستانم به من دواهایی دادند که آرام شدم. این مشکلاتی بود که در جریان سفر برایم پیش آمد. وقتی به ترکیه رسیدم زبان آنجا را نمی فهمیدم و با فرهنگ کشور آشنا نبودم. در ترکیه پولیس مرا دستگیر کرد، بی نهایت لت و کوبم کرد و برای ۷ ماه در زندان بودم. احساس بسیار بدی داشتم و حتا فکر می کردم که جان خود را از دست خواهم داد. در هنگام بازگشت اجباری به ایران، پولیس ایران از ما پول گرفت و برای سه روز در یک اتاق نگه مان داشت. پولیس ها از ما پول می خواستند و ما چیزی در بساط نداشتیم.“ (سعادت، ۱۸ ساله، مرد، پناهجوی اخراج شده، مصاحبه مفصل - ننگرهار)

۵. عواقب اقدامات ناکام برای سفر به خارج از کشور

زمانی که در مورد سفر ناکام اطفال به خارج از کشور از مردم پرسیده شد، آنها به عواقب برجسته این موضوع بالای معیشت خانواده‌ها و همچنان امنیت اطفال و خانواده‌هایشان اشاره کردند.

“تأثیرات اخراج و بازگشت اجباری اطفال از خارج کشور بیشتر بالای معیشت خانواده‌ها محسوس است، به ویژه اگر او نان آور خانه نیز بوده باشد. چون تمام سرمایه خانواده صرف فرستادنش به خارج از کشور شده است. همچنان از لحاظ امنیتی نیز برای آنها تهدیداتی وجود دارد. چون اگر پول قرضی را به صاحب آن پس داده نتواند شاید از سوی طرف مقابل لت و کوب و زخمی شود.” (ج ت، ۲۵ ساله، مرد، گروه‌های مباحثاتی-کابل)

“مشکل بزرگ این است که آنها برای رفتن به اروپا از کسی پول قرض گرفته‌اند و زمانی که به اروپا رسیده نمی‌توانند و به کشور باز می‌گردند، هیچ پولی در بساط ندارند. قرض دهنده هر روز از قرضدار پول خود را طلب می‌کند. در این میان شاید طالبان از موضوع آگاه شوند که فلان نفر به اروپا رفته و به همین دلیل برای کشتنش اقدام کنند.” (مسعوده، ۲۳ ساله، زن، گروه مباحثاتی-ننگرها)

“امنیت اطفالی که مجبور به بازگشت اجباری می‌شوند، با خطر رو به رو است. مردم فکر می‌کنند که آنها با خود پول زیادی آورده‌اند. از این رو، به خاطر همین مساله اختطاف و یا کشته می‌شوند. به همین دلیل، خانواده‌ها نیز به خاطر بچه‌های اخراج شده خود دچار مشکل می‌شوند.” (محمد یوسف، ۲۹ ساله، مرد، گروه مباحثاتی-پکتیا)

از آن‌جایی که خانواده‌ها به خاطر فرستادن فرزندان خود به اروپا پول زیادی را قرض گرفته و امید داشتند که فرزندشان پس از رسیدن به آنجا دوباره می‌فرستد، اکنون با ناکام ماندن این برنامه پیامدهای جدی متوجه سطح زندگی و وضعیت اقتصادی آن‌ها می‌شود. حتا شاید این مساله بالای رابطه نوجوان بازگشته و خانواده‌اش نیز تاثیر منفی بر جای بگذارد:

“این اطفال اقتصاد خانواده‌هایشان را به خطر انداخته‌اند. وضعیت مالی خانواده رو به وخامت نهاده و در نتیجه هر روز در خانواده جنگ و جنجال به پا می‌شود.” (عظیم، ۶۰ ساله، مرد، مصاحبه کلیدی معلوماتی-بامیان)

“پس از بازگشت به کشور، این اطفال کار خاصی کرده نمی‌توانند. برخی از آنها پولی را که برای سفر خود قرض گرفته بودند، پس داده نمی‌توانند. برخی از آنان مشکلات امنیتی پیدا می‌کنند چون مردم فکر می‌کنند که او از اروپا برگشته و با خود پول زیادی دارد. در نتیجه امکان اختطافشان نیز است.” (راضیه، ۳۵ ساله، زن، گروه مباحثاتی-ننگرها)

“اولویت نخست معیشت اعضای خانواده‌ای است که نوجوان خود را به خارج فرستاده و به خاطر آن فعلا در وضعیت خراب اقتصادی به سر می‌برد. دوم، امنیت اعضای خانواده است و بعد سوم امنیت نوجوان برگشته از خارج است که احتمال اختطاف‌اش وجود دارد. به این خاطر این ریسک‌ها است که خانواده‌ها بالای فرزندان بازگشته خود از خارج اعمال محدودیت وضع کرده که در نتیجه این اطفال احساس ترس و ناامنی می‌کنند.” (شیرپاو، ۳۱ ساله، مرد، گروه مباحثاتی-پکتیا).

۴. خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادات

خلاصه یافته ها

۱. اطفال پناهجوی بدون همراه اکثرا پسرانی به عمر ۱۳ تا ۱۷ ساله اند. آنها معمولا جوان ترین عضو خانواده هستند. آنها اغلب هوشیار و به لحاظ جسمی توانا و آماده تصور می شوند که شانس رسیدن به کشور مقصد را دارند. خانواده ها فکر می کنند که چانس قبولی اطفال نسبت به بزرگسالان در کشور های خارجی خیلی بالا است.
۲. در تشویق اطفال برای رفتن به خارج از کشور چندین عامل (و خیلی اوقات با هم مرتبط) دخیل است که از آن جمله:
 - ا. تمایل به ثبات اقتصادی، فرصت های زندگی بهتر و دسترسی به خدمات اجتماعی، به خصوص تعلیم و تربیه؛
 - ب. نیاز به امنیت و مصونیت فیزیکی؛
 - ج. تصورات و نظرات مثبت از سوی همسن و سالان و خانواده هایی که فرزندان نوجوان شان موفقانه به کشور های صنعتی رفته اند.
۳. تصمیم گیری برای سفر قاچاقی اطفال به بیرون از کشور از سوی بزرگ فامیل و خود اطفال به طور مشترک گرفته می شود. البته در اکثر قضایا این اطفال اند که موضوع را پیشنهاد می کنند. بر اساس یافته های این تحقیق، حمایت خانواده ها از اطفال پناهجوی در ولایات ننگرهار (در میان اکثریت پشتون) و کابل (در میان اکثریت هزاره) بالا بوده، در ولایات بامیان (در میان اکثریت هزاره) و پکتیا (در میان اکثریت پشتون) پایین است.
۴. برای اطفال پناهجوی هر چهار ولایت، کشور های اروپایی مقصد دلخواه بوده و برخی هم ایران را به خاطر وجود آشنایان و خویشاوندان خود که به پیدا کردن کارکمک کرده می توانند، به صورت موقت انتخاب کرده تا با اندوختن پول از آن جا به یک کشور دیگر بروند.
۵. اطفال پناهجو از کابل و ننگرهار برای سفر به خارج از حمایت خانواده های شان برخوردار اند. خانواده ها سرمایه های خود را یکجا کرده و خرج سفر فرزندان شان به خارج از کشور می کنند. افزون بر این، آنها از دیگران پول قرض گرفته و یا املاک شان را به گرو می گذارند و یا از هر دوی این گزینه ها استفاده می کنند تا پول سفر قاچاقی اطفال خود به خارج را مساعد سازند. در مقابل در ولایات بامیان و پکتیا نوجوانی که قصد سفر قاچاقی به بیرون از کشور را دارند به خاطر تهیه هزینه های سفر به پول و دارایی اعضای خانواده خود دستبرد می زنند. تعداد کم آنها با قاچاقچیان بر سر پرداخت پول سفر به این گونه توافق می رسند که چه در کشورهای مسیر سفر و یا در کشور مقصد کار کرده و پول شان را پرداخت خواهند کرد.
۶. همان طوری که مصاحبه شوندگان در این تحقیق خاطر نشان کردند، نقاط اصلی حرکت این اطفال در افغانستان عبارت از هرات، اسلام قلعه و نیمروز است. کشور های مسیر عبور برای اقامت موقت تا رسیدن به کشور مقصد عبارت از ایران، پاکستان، ترکیه، یونان، فرانسه، مالیزیا و اندونیزیا اند. در این کشور ها خطر بالای دستگیری اطفال مذکور و بازگشت اجباری شان به افغانستان وجود دارد.
۷. مصاحبه شوندگان تمایلی به ارایه توضیح در مورد چگونگی کار قاچاق چپان از خود نشان ندادند. آنها فقط اشاره کردند که شبکه های قاچاق بسیار سازمان یافته بوده که هم در میان مردم حضور دارند و هم در پاکستان و ایران فعالیت می کنند.
۸. تمام خانواده هایی که در کابل و ننگرهار با آنها مصاحبه شد، از خطرهای سفر قبل فرستادن فرزندان شان آگاه بودند. با وجود این آگاهی قبلی، اطفال خود را به این سفر می فرستند چون فکر می کنند که فواید نهایی آن بر خطرها و سختی های سفر می چربد، و یا تصور میکنند که انتخاب دیگری به جز این ندارند. در میان خانواده ها در بامیان و پکتیا، برخی از مصاحبه شوندگان از تصمیم فرزندان خود مبنی بر خروج از کشور آگاه نبوده، برخی دیگر از این خطرها آگاه بودند. در ارتباط به آگاهی اطفال از خطرهای سفر قاچاقی باید گفت که بسیاری از آنها از خطرها آگاه بوده اما دقت لازم در این باره به خرج نمی دادند، و آنهایی هم که با دقت در مورد خطرهای سفر فکر کرده بودند در نهایت به این نتیجه رسیدند که این سفر ارزش مشکلات و مصایب یاد شده را دارد.
۹. اطفالی که در این تحقیق با آنها مصاحبه صورت گرفت، در مسیر سفر با درجه های متفاوتی از خطرها، آزار و اذیت و نقض حقوق شان از سوی قاچاق چپان و ماموران پولیس در کشور های مختلف و یا کشور های مقصد مواجه شده اند.
۱۰. هم خانواده ها و هم اطفالی که از ولایت های کابل و ننگرهار به خارج از کشور به تنهایی سفر کردند، به صورت قوی گفتند که پس از جمع آوری پول لازم بار دیگر برای رفتن به کشور های غربی اقدام خواهند کرد. در مقابل خانواده ها و اطفال از بامیان و پکتیا که یکبار سفر ناکام به خارج از کشور داشتند، مجموعا گفتند که تمایلی برای رفتن مجدد به سفر قاچاقی ندارند.

پیشنهادات:

۱. جامعه مدنی و بزرگان اجتماع در افغانستان، در همکاری با مقامات ذیربط افغان باید راه های را دریابند تا اطفال (به ویژه مردان بالغ) و والدین شان را در مورد خطرات سفرهای بدون همراه، به ویژه از طریق شبکه های جوانان، رسانه های اجتماعی، مکاتب و نهاد های آموزش دهی والدین آگاه سازند.
۲. کمپاین های آگاهی دهی در مورد خطرات سفر های بدون همراه توسط اطفال، با حضور مقامات ذیربط افغان، نمایندگان سیاسی، جامعه مدنی و بزرگان اجتماع باید افزایش یابد. روش های جدید نشر اطلاعات در ارتباط به سفر قاچاقی از طریق شبکه های اجتماعی، نهاد های تعلیمی، رسانه های عمومی و شبکه های غیر رسمی جوانان مد نظر گرفته شود.
۳. مطالعات بیشتری برای درک علاقه مردان جوان افغان به سفر های بدون همراه صورت گیرد و شبکه های غیررسمی جوانان نه تنها در تنها در افغانستان بلکه در ایران و پاکستان راه اندازی شود تا روشن گردد که چگونه ممکن است به این تمایل مردان جوان به سفر های بدون همراه تاثیر گذاشت.
۴. آموزش های حرفه ای و برنامه های معیشتی برای جوانان به ویژه در مناطق با بیشترین میزان اعزام در افغانستان، در هماهنگی با مقامات ذیربط افغان، نهاد های غیردولتی و فعالان جامعه مدنی توسعه داده شود.
۵. در تمامی اقداماتی که به گونه مستقیم یا غیرمستقیم اطفال بدون همراه را متاثر میسازد، بهترین منفعت طفل در صدر ملاحظات قرار گیرد. کشور های مقصد پناهجویان نوجوان باید در راه حل های خود جهت برخورد با آنها بر اساس اصل بهترین مصلحت برخورد کرده و همچنان این موضوع را در نظر داشته باشند که شاید اطفال پناهجوی افغان دارای قضایای مشروع پناهندگی بوده و نیازمند حمایت های بشردوستانه اند.
۶. با مسولان مرزی و نیروهای پولیس در کشور های ترانزیت و مقصد به ویژه در ایران و ترکیه، در مورد حفاظت اطفال بدون همراه ظرفیت سازی صورت گیرد.
۷. مقامات افغان، جامعه مدنی و افراد متنفذ جامعه باید تلاش های خود جهت حفاظت و حمایت از اطفال بازگشته از خارج را بیشتر سازند. بایستی آنها به مسایلی چون ترومای سفر و بازگشت به کشور و ادغام در جامعه توجه مبذول دارند. در برنامه ها باید این موضوع در نظر گرفته شود که اطفال بازگشته شاید بار دیگر برای رفتن اقدام کنند؛ به ویژه این موضوع در ولایت های کابل و ننگرهار بیشتر صادق است.

ضمیمه ها:

جدول ضمیمه ۱ الف. خصوصیات اطفال افغان بدون همراه در سفر به خارج، منطقه عمدتاً هزاره نشین در این مطالعه

ولایت بامیان - کمترین ارسال		ولایت کابل - بیشترین ارسال		
اقدام نکرده	طفل پناهجوی بدون همراه	اقدام نکرده	طفل پناهجوی بدون همراه	خصوصیات
فرد				
	زیر سن (۱۳-۱۷)		زیر سن (۱۴-۱۷)	سن
	فرزند کلان خانواده نیست	فرزند کلان خانواده نیست	فرزند کلان خانواده نیست	فرزند چندم خانواده
تحصیلکرده	با تحصیلات (مثلاً صنف ۷-۸ مکتب) بی سواد	بی سواد	با تحصیلات (مثلاً صنف ۷-۱۲ مکتب) بی سواد	تحصیلات
	هزاره		قومیت مهم نیست	قومیت
	مرد		مرد	جنسیت
	بیکار هوشیار جسماً قوی		بیکار هوشیار جسماً قوی	سایر خصوصیات
	فقیر	فقیر	فقیر	وضعیت اقتصادی
خانواده				
		خانواده ای با کمترین عضو	تعداد اعضای خانواده مهم نیست	تعدادی اعضای خانواده
		تحصیلات عالی	بی سواد	میزان تحصیلات کلان خانواده
شغل خوب درآمد خوب	کارگر سابق ساختمانی	شغل آزاد مسئول در ادارات حکومتی	بیکار	شغل کلان خانواده

جدول ضمیمه ۱ ب. خصوصیات اطفال افغان بدون همراه در سفر به خارج، مناطق مورد مطالعه عمدتاً پشتون نشین

ولایت پکتیا - کمترین ارسال		ولایت ننگرهار - بیشترین ارسال		
اقدام نکرده	طفل پناهجوی بدون همراه	اقدام نکرده	طفل پناهجوی بدون همراه	خصوصیات
فرد				
زیر ۱۰ سال	زیر سن (۱۰-۱۷)	زیر ۱۸ سال	زیر سن (۱۵-۱۶)	سن
	جوان ترین پسر	کلاترین بچه	جوانترین فرزند	فرزند چندم خانواده
تحصیل کرده	تحصیل کرده (دوره ثانویه)	تحصیل کرد (صنف ۱۲)	تحصیلات (صنف ۱۰-۱۲ مکتب)	تحصیلات
پشتون تاجک	پشتون	پشتون	پشتون	قومیت
	مرد	مرد	مرد	جنسیت
	قویترین هوشیارترین		بیکار هوشیار آرام	سایر خصوصیات
دارای وضعیت مالی خوب		دارای وضعیت مالی خوب توان پرداخت مخارج سفر را ندارد	فقییر	وضعیت اقتصادی
خانواده				
۷-۵ عضو	خانواده کلان (۷ الی ۹ عضو؛ ۲۰ الی ۳۰) خانواده کوچکتر (مثلاً ۵-۶ عضو)	دارای یک پسر پسر زیر سن ندارد	خانواده پر جمعیت بیشتر از دو بچه	تعدادی اعضای خانواده
صنف دوازدهم	تحصیلات پایین	تحصیلات زیاد	مهم نیست	میزان تحصیلات کلان خانواده
	مقامات پایینی حکومت دستفروش (کارت موبایل، میوه) دوکاندار متوسط (نانوا، خوراکی فروشی) فروشنده (موتور، خانه) راننده/تکسی ران	دارای شغل و درآمد خوب	مهم نیست	شغل کلان خانواده
دوکاندار متوسط (نانوا، قصاب) فروشنده (صادرکننده اموال، چوب، تیل)	دستفروش دوکاندار		دارای شغل نیستند	شغل سایر اعضای خانواده
مهاجر به ایران و پاکستان در جریان جنگ ها (تمام گروه های مباحثاتی)	مهاجر به ایران و پاکستان در جریان جنگ ها			سابقه مهاجرت خانواده

مأخذ:

- Afghanistan Independent Human Rights Commission (AIHRC). Violence against Women in Afghanistan: Factors, root causes and situation, 2013, Retrieved 14 February 2014 from http://www.aihrc.org.af/media/files/Research%20Reports/Dari/Report%20on%20Violence%20against%20Women%201390%20_English-%20for%20hasa.pdf.
- Bastia, Tanja. "Child Trafficking or Teenage Migration? Bolivian Migrants in Argentina." Paper presented at Workshop on Independent Child Migrants: Policy Debates and Dilemmas, 12 September 2007, London, Retrieved 7 September 2012 from http://www.migrationdrc.org/news/reports/icm/Tania_Bastija%20_Child_trafficking_or_teenage_migration_London.pdf.
- Boland, Kerry. "Children on the Move A Report on Children of Afghan Origin Moving to Western Countries", February 2010, Retrieved 19 September 2012 from http://www.unicef.org/infobycountry/files/Book_children_on_the_move.pdf.
- Bowley, Graham "Taliban Hit Region Seen as 'Safest 'for Afghans, The New York Times, 30 October 2012, Retrieved January 2014 from <http://goo.gl/tzQVoF>.
- Central Statistics Organization (CSO). *Afghanistan Statistical Yearbook 2011-12*. Retrieved May 2014 from [Cso.gov.af/Content/files/Population\(2\).pdf](http://Cso.gov.af/Content/files/Population(2).pdf).
- Central Statistics Organization (CSO). *National Risk and Vulnerability Assessment 2007/2008: A profile of Afghanistan*, Kabul, Delegation of European Commission to Afghanistan, 2009.
- Camacho, Agnes Zenaida. "Understanding the Migration Experiences of Child Domestic Workers: Towards Alternative Perspectives on Children and Migration." 20-21 March 2007, Retrieved 3 September 2012 from http://www.childsrights.org/html/documents/adem/16.%20Conference_Report_Warsau.pdf.
- Council of Europe Parliamentary Assembly. "Unaccompanied Children in Europe: Issues of Arrival, Stay and Return" Resolution 1810, 2011.
- Danish Immigration Service. *Afghanistan: Country of Origin Information for Use in the Asylum Determination Process*, May 2012, Retrieved 7 March 2013 from <https://www.nyidanmark.dk/NR/rdonlyres/3FD55632-770B-48B6-935C-827E83C18AD8/0/FFMrapportenAFGHANISTAN2012Final.pdf>.
- European Migration Network. "Unaccompanied Minors - an EU Comparative Study", 2010, Retrieved 7 March 2013 from http://emm.si/files/publikacije/00_emn_synthesis_report_unaccompanied_minors.pdf.
- European Union Agency for Fundamental Rights. "Separated, Asylum-seeking Children in European Union Member States Comparative Report", 2010. Retrieved 7 March 2013 from http://fra.europa.eu/sites/default/files/fra_uploads/1692-SEPAC-comparative-report_EN.pdf.
- Eurostat. "Asylum applicants considered to be unaccompanied minors by citizenship, age and sex Annual data" Retrieved 10 August 2014 from http://appsso.eurostat.ec.europa.eu/nui/show.do?dataset=migr_asyunaa&lang=en.
- France Terre D'Asile. "Right to Asylum for Unaccompanied minors in the European Union Comparative Study in the 27 EU Countries", 2012, Retrieved 7 March 2013 from <http://tdh-childprotection.org/documents/right-to-asylum-for-unaccompanied-minors-in-the-european-union>.
- Hancilova, Blanka and Knauder, Bernadette. "Unaccompanied Minor Asylum Seekers: Overview of Protection, Assistance and Promising Practices", IOM, Budapest, 2011.
- Ganesh, Lina et al. "Women's Economic Empowerment in Afghanistan, 2002-2012", Kabul, AREU, 2013.
- Gladwell, Catherine and Hannah Elwyn. "Broken Futures: Former Unaccompanied Minors With No Leave to Remain in the UK" *New Issues in Refugee Research, No 246*, UNHCR Policy Development and Evaluation Service, October 2012.

- Hashim, Iman. "The Positives and Negatives of Children's Independent Migration: Assessing the Evidence and the Debates", September 2006, Retrieved 1 September 2012 from <http://www.migrationdrc.org/publications/working_papers/WP-T16.pdf>.
- Hashim, Iman. "Exploring the Linkages between Children's Independent Migration and Education: Evidence from Ghana", August 2005, Retrieved 7 September 2012 from <http://www.migrationdrc.org/publications/working_papers/WP-T12.pdf>.
- Haug, Sonja. "Migration Networks and Migration Decision-Making", 19 May 2008, Retrieved 6 August 2013 from <<http://crcw.princeton.edu/migration/files/library/Migration%20Networks%20and%20Migration%20Decision-Making.pdf>>.
- Hollifield, James. "The Emerging Migration State", 2004, Retrieved 6 August 2013 from <http://www.cmiesi.ma/acmiesi/file/notes/james-hollifield_2.pdf>.
- Human Right Watch. "Caught in a Net Unaccompanied Migrant Children in Europe", 2012, Retrieved 25 November 2012 from <https://www.hrw.org/sites/default/files/HRW_CRD_migrant_brcohure_low.pdf>.
- Human Rights Watch. "Afghanistan: Stop Women Being Given as Compensation", 8 March 2011, Retrieved 14 February 2014 from <http://www.hrw.org/news/2011/03/08/afghanistan-stop-women-being-given-compensation>.
- INDEPTH. *Resource Kit for Demographic Surveillance System*, 2008, Retrieved 5 December 2012 from <<http://www.indepthnetwork.org/Resource%20Kit/INDEPTH%20DSS%20Resource%20Kit/Migrationdefinition.htm>>.
- IOM. "World Migration Report 2011 Communicating Effectively About Migration." 2011, Retrieved 10 December 2012 from <publications.iom.int/bookstore/free/WMR2011_English.pdf>.
- Kronenfeld, D.A. "Afghan Refugees in Pakistan: Not All Refugees, Not Always in Pakistan, Not Necessarily Afghan?" *Journal of Refugee Studies* 2, no. 1(2008): 43-63.
- Lundberg, A. and L. Dahlquist. "Unaccompanied children seeking asylum in Sweden: Living conditions from a child-centred perspective." *Refugee Survey Quarterly* (2012): 1-22.
- Potter, Mark. "Kids cross border alone, fleeing drugs and gangs", *NBCNews.com*, 21 September 2012, Retrieved 21 September 2012 from <http://dailynightly.nbcnews.com/_news/2012/07/03/12419689-kids-cross-border-alone-fleeing-drugs-and-gangs?lite>.
- Maastricht Graduate School of Governance. "Complexities and Challenges in Afghan Migration: Policy and Research Event IS Academy Policy Brief No. 14, 2013, Retrieved 1 October 2013 from <<http://mgsog.merit.unu.edu/ISacademie/docs/PB14.pdf>>.
- Monsutti, A. "Migration as a Rite of Passage: Young Afghans Building Masculinity and Adulthood in Iran" *Iranian Studies*, Vol. 40, Iss. 2, 2007
- Probyn, Andrew and Butterly, Nick. "Better Life Main Reason for Refugees' Journey," *The Sydney Morning Herald*, May 4, 2011.
- Punch, Samantha. "Migration Projects: Children on the Move for Work and Education" Paper presented at: Workshop on Independent Child Migrants: Policy Debates and Dilemmas, London, 12 September 2007, Retrieved 21 September 2012 from <http://www.childmigration.net/files/Punch_migration_paper.pdf>.
- Serrano, Inmaculada and Voon, Frances. "Research and Evidence on Unaccompanied Afghan Children in Europe", Paper presented at the Policy and Research Event "Complexities and Challenges in Afghan Migration," Brussels, April 8-9, 2013.
- Schneider, Irene. "Recent Developments in Afghan Family Law : Research Aspects" ASIEN 104, July 2007. p 106-118.
- Schuster, Liza and Majidi, Nassim. "What happens post-deportation? The experience of deported Afghans", *Migration Studies*, 1(2):221-240, 2013.

Stigter, Elca and Monsutti, Alessandro. "Transnational Networks: Recognising a Regional Reality." Briefing Paper, Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit, 2005.

Thorsen, Dorte. "Looking for Money while Building New Skills and Knowledge: Rural Children's Independent Migration in South-Eastern Burkina Faso", 2005, Retrieved 3 September 2012 from <http://www.migrationdrc.org/publications/research_reports/DorteFieldReport2005_English.pdf>.

UNAMA. *Afghanistan Annual Report 2012: Protection of Civilians in Armed Conflict*, Kabul, UNAMA, 2013.

UNAMA. *Afghanistan Annual Report 2011: Protection of Civilians in Armed Conflict*, Kabul, UNAMA, 2012.

UNAMA. *Afghanistan Annual Report 2010: Protection of Civilians in Armed Conflict*. Kabul, UNAMA, 2011.

UNDP. Table 1: Human Development Index and its components, December 2013, Retrieved 1 July 2014 from <<http://goo.gl/OeSlrK>>.

UNDP. Human Development Report, 2013, Retrieved 1 July 2014 from <<http://goo.gl/4jCvgF>>.

UNHCR, "Volrep and Border Monitoring Monthly Update", March 2014, Retrieved 10 August 2014 from <http://www.refworld.org/docid/534d43ac4.html>

UNHCR. "Global Trends 2013", Geneva, UNHCR, 2014

UNHCR. "Global Trends 2012", Geneva, UNHCR, 2013

UNHCR. "Protecting Children on the Move, Addressing Protection Needs Through Reception, Counselling, and Referral and Enhancing Cooperation in Greece, Italy, and France", July 2012, Retrieved 21 September 2012 from <<http://www.refworld.org/pdfid/522852c34.pdf>>.

UNHCR. "*Aide-mémoire*: Special measures applying to the return of unaccompanied and separated children to Afghanistan", 20 August 2010.

UNHCR. "Trees Only Move in the Wind A Study of Unaccompanied Afghan Children in Europe," Geneva, Policy Development and Evaluation Service, 2010, Retrieved 19 September 2012 from <<http://www.unhcr.org/4c1229669.html>>.

UNICEF. "Children Youth and Migration." Paper presented at International Symposium on International Migration and Development Turin, Italy, 28-30 June 2006, Retrieved 13 December 2012 from <http://www.un.org/esa/population/migration/turin/Turin_Statements/UNICEF.pdf>.

UNOHCHR. "Human Rights Dimension of Poverty in Afghanistan", March 2010, Retrieved 1 April, 2014 from <www2.ohchr.org/SPdocs/Countries/AF/PovertyReport_30032010.doc>.

Whitehead, Ann and Hashim, Iman. "Children and Migration: Background Paper for DFID Migration Team", March 2005, Retrieved 6 September 2012). <http://www.childmigration.net/dfid_whitehead_hashim_05>.

Wise Strategic Communication. "Afghanistan Counter People Smuggling Scoping Study: Final Report", October 2010, Retrieved on 7 March 2013 from <<http://www.customs.gov.au/webdata/resources/files/FinalReport-WiseStrategicCommunicatoin.pdf>>.

پیشنهادات شما

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان می خواهد تا از پیشنهادات شما بعنوان استفاده کننده گان منابع تحقیقاتی این اداره مستفید شود. شما چه خواننده همیشگی انتشارات ما باشید، چه در یکی از سخنرانی‌ها و ورکشاپ‌های این واحد شرکت کرده باشید، چه از کتابخانه استفاده کرده باشید و چه به تازگی با این سازمان آشنا شده باشید، نظرات و پیشنهادات شما برای ما با ارزش است. نظر های شما به ما کمک میکند تا هدف خود را به بهترین شکل تعقیب نموده و یافته های کاری خود را به شکل بهتر با خواننده گان نشریات ما به اشتراک بگذاریم. آسانترین راه برای ارائه پیشنهادات استفاده از این ایمیل آدرس میباشد.
areu@areu.org.af

همچنان شما می توانید به این شماره تماس بگیرید ۵۴۸ ۶۰۸ ۰۷۹۹ (۰) +۹۳ و هر نظری دارید، با ما در میان بگذارید. اما برخی اطلاعاتی که به ویژه برای ما سودمند هستند عبارتند از:

- چطور از نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید (مطالعه انتشارات، شرکت در جلسات،...)?
- به چه منظور از پژوهش‌های واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان استفاده می کنید؟
- به چه شکل انتشارات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان را دریافت می کنید؟
- از نسخه الکترونیکی استفاده می کنید یا از مجلدات؟
- چگونه این انتشارات می توانند اطلاعات را به نحو بهتری ارائه دهند؟
- نظر شما درباره روند پژوهشی و نتایج ما چیست؟
- انتشارات یا رویداد های مورد علاقه شما در واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان کدام است؟
- به نظر شما ما چه کارهایی را می توانیم بهتر انجام دهیم؟
- علاقه، ساحه و موقعیت کاری یا مطالعه شما کدام است

نشریات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

تاریخ	عنوان نشریه	نام نویسنده	دری	پشتو	موضوع تحقیق	نوع نشریه
نوامبر ۲۰۱۴	زنان و معضل رهبری در افغانستان: درسها و پیشنهادات	آریا نجات	✓	✓	جنډر	پالیسی نامه
نوامبر ۲۰۱۴	مروری بر حقوق اساسی شهروندان: چالش ها و فرصت ها	داکتر رنگین دادفر سپنتا	✓		حکومتداری	مطالعه موردی
سپتمبر ۲۰۱۴	ناامیدی یا امید؟ کونکار و معیشت روستایی	پاول فیشتین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	نشریه ترکیبی
سپتمبر ۲۰۱۴	کنسرسیوم معیشت مصون برنامه های تحقیق افغانستان	چونا ایچاوز			معیشت پایدار	بروشور
سپتمبر ۲۰۱۴	جنډر، جوانان و مشارکت در بازار کار شهری: شواهد تشکیل بخش خیاطی در کابل، افغانستان	آدم بین و ریچارد مالت			معیشت پایدار	مقاله کاری
سپتمبر ۲۰۱۴	درک پیچیدگی های معضلات مربوط به آب در افغانستان	ونسنت تاماس	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	ده سال پس از تصویب قانون اساسی افغانستان: چه مسایلی مطرح است؟	محمد هاشم کمالی	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اگست ۲۰۱۴	وضعیت میکانیسم منازعات انتخاباتی در افغانستان	ارونی جیاکودی	✓	✓	حکومتداری	پالیسی نامه
اگست ۲۰۱۴	ناامیدی یا امید؟ کشت کونکار در افغانستان پس از ۲۰۱۴	پاول فیشتین و دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	پالیسی نامه
جون ۲۰۱۴	سیاست و حکومتداری ولایتی در افغانستان: ولایت ننگرهار	اشلی چکسن	✓	✓	معیشت پایدار	مطالعه موردی
جون ۲۰۱۴	بحث میز گرد در باره تجارب انتخابات افغانستان	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان			حکومتداری	چریان بحث میز گرد
جون ۲۰۱۴	"از بد، بدترش کردند" تمرکز خشکاش تریاک در ساحات جنگی در ولایت های هلمند و ننگرهار	دیوید منسفیلد	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مطالعه موردی
می ۲۰۱۴	افغانستان: تهیه روشی برای بررسی و تفکیک روستا ها	آدم بین			معیشت پایدار	روش کاری
می ۲۰۱۴	از الف تا یا کتاب رهنا برای کمک به افغانستان نسخه دوازدهم ۲۰۱۴	واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان	✓	✓		کتاب
می ۲۰۱۴	اردوی ملی: بقا و ثبات فراتر از جنبه های مالی	انتونیو جیستازی و پیتر کوینتن	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
اپریل ۲۰۱۴	تاثیر برنامه های تامین اجتماعی و شغلی بالای رفع محرومیت اجتماعی بر اساس یافته ها و مدارک به دست آمده از افغانستان، بنگلادیش، هند و نیپال	بابکان باباجانیان، جسیکا هگن - زنکر و ربیکا هولمز	✓	✓	جنډر	مطالعه ترکیبی
اپریل ۲۰۱۴	نقش برنامه آموزش مهارتهای زندگی و آموزش برای کسب معیشت	چونا ایچاوز، بابکن بابه جانین، جسیکا هیگن زنکر	✓	✓	جنډر	پالیسی نامه
اپریل ۲۰۱۴	چگونه برنامه های کارآفرینی و کارآموزی به فعالیت ها و اشتراک اجتماعی در افغانستان کمک می نماید؟ شواهدی از برنامه های آموزشی مهارت های زندگی و تامین معیشت موسسه BRAC برای زنان جوان افغان	چونا ایچاوز، بابکان باباجانیان، جسیکا هگن - زانکر، شاهین اکتر و جنیفر لین یگاپورو	✓	✓	جنډر	مطالعه موردی
اپریل ۲۰۱۴	زمینه های گسترش: کشت خشکاش تریاک در ولایت های بلخ و بدخشان در سال ۲۰۱۳	پاول فیشتین	✓	✓	مدیریت منابع طبیعی	مطالعه موردی
مارچ ۲۰۱۴	رسیدگی به شکایات انتخاباتی: افغانستان و خطرات عدم قانونمداری	غزال حارس	✓	✓	حکومتداری	مطالعه موردی
مارچ ۲۰۱۴	بررسی مختصر دولتداری در افغانستان	آریا نجات	✓	✓	حکومتداری	نشریه تحلیلی
مارچ ۲۰۱۴	توسعه تشبثات کوچک و متوسط و تجارت منطوقی در افغانستان	مجیب مشعل	✓	✓	اقتصاد سیاسی	مقاله کاری

۱۳ سال تحقیق باکیفیت

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
از چهار راهی حاجی یعقوب به
سمت چهارراهی شهید
خانه ۱۴۴ (سمت راست) سرک ۳ (سمت چپ)
شهر نو، کابل، افغانستان
شماره تماس: ۰۰۹۳ (۰) ۷۹۹ ۶۰۸ ۵۴۸
ایمیل: publications@areu.org.af
وبسایت: www.areu.org.af

تمام نشریات واحد تحقیق و ارزیابی
افغانستان را میتوانید از صفحه اینترنتی
این اداره www.areu.org.af
دریافت نمایید.

همچنان نسخه های چاپی بعضی از
نشریات این اداره را میتوانید از دفتر
واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به
آدرس ذیل بدست آورید.

